

# انترناسیونال



## حزب کمونیست کارگری ایران

انترناسیونال شماره ۹۵۲

جمعه ۳ دی ۱۴۰۰ - ۲۴ دسامبر ۲۰۲۱

### شیلی به کدام سمت میرود؟

“من به کرامت انسانی رای میدهم!”

محسن ابراهیمی

۱۹ دسامبر امسال، در انتخابات ریاست جمهوری کشور شیلی، جوانی ۳۵ ساله به نام گابریل بوریچ بر کاندیدای دیگری به نام خوزه آنتونیو کست پیروز شد.

گابریل بوریچ از رهبران چپ گرای اعتراضات دانشجویی علیه بی عدالتی و فساد حاکم است.

او که نامزد ائتلاف انتخاباتی “من به نفع کرامت انسانی رای میدهم” است با وعده پایان دادن به بی عدالتی اقتصادی و اصلاحات اساسی، استقرار دولت رفاه، اصلاح نظام بیمه درمانی و بازنشستگی، کاهش ساعت کار هفتگی از ۴۵ به ۴۰ ساعت، سرمایه گذاری در صنایع سبز و حفاظت از آب و هوا و دفاع از حقوق زنان به میدان آمده است. او در جریان مبارزات انتخاباتی اش اعلام کرد: “شیلی مهد نئولیبرالیسم بود، همچنین گور آن خواهد بود!”

### شیلی در جنگال مکتب شیکاگو!

سال ۱۹۷۳ یکی از غم انگیزترین مقاطع تاریخی برای مردم شیلی بود و هست. در این سال ژنرال آگوستو پینوشه با یک کودتای خونین و بمباران کاخ ریاست جمهوری و کشتن سالوادور آلنده رهبر حزب سوسیالیست که در یک انتخابات با رای بالایی رئیس جمهور شده بود، این کشور را به آزمایشگاه خونین شوک درمانی اقتصاد نئولیبرال مکتب شیکاگو تبدیل کرد. پینوشه به مثابه نماینده طبقه حاکم شیلی و به کمک اقتصاددانان هار مکتب شیکاگو تعرض سازمان یافته و خونینی

رقیب او آنتونیو کست نامزد راست افراطی شیلی، با شعار “نظم و قانون”، کاهش مالیات و بودجه رفاه اجتماعی، کاهش و قطع خدمات اجتماعی مربوط به درمان و آموزش و مسکن و بیمه های اجتماعی و بازنشستگی، محدود کردن مهاجرت، محدود کردن حقوق زنان، قطع کمک مالی به موزه خاطرات دوران پینوشه و بالاخره با وعده دفاع از میراث آگوستو پینوشه، دیکتاتور نظامی سابق شیلی به

ادامه در صفحه ۲



شماره صفحه:

در این شماره انترناسیونال:

۱، ۲، ۳ و ۴

شیلی به کدام سمت میرود؟ محسن ابراهیمی

لایحه بودجه و جنگ حکومت علیه مردم. مصاحبه کانال جدید با حمید تقوانی ۵، ۶ و ۷

جمهوری اسلامی و اعدام افراد زیر ۱۸ سال. حسن صالحی ۸

رانت و دزدی ۶۰۰ هزار میلیارد تومانی، بیلان سه ساله ارز دولتی! محمد شکوهی ۹

فریاد طلاب و مقامات نه مرکز مذهبی در قم از بی حجابی زنان. شیرین شمس ۱۰

ما اکثریت مردم را نمایندگی می کنیم! حسن صالحی ۱۱

به مناسبت روز جهانی نه به حجاب اجباری. انقلاب زنان ۱۲

۲ دی: تجمع هزاران نفره معلمان در دهها شهر برگزار شد ۱۳

تصاویری از تجمعات سراسری معلمان ۱۴

قطعه نامه پایانی تجمع سراسری معلمان ایران، پنجشنبه، ۲ دی ۱۴۰۰ ۱۵

از مدیای اجتماعی حزب ۱۶

۱۷، ۱۸ و ۱۹

اطلاعیه های حزب

سرنگون باد جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی



## از تظاهرات سال ۲۰۱۹

پیروزی یک جوان چپ گرا در ۱۹ دسامبر ۲۰۲۱ بر یک میلیارد محافظه کار راست مخالف سرسخت هرگونه مسئولیت جامعه در قبال شهروندان، تغییری سیاسی در پایان این پروسه بود.

**خیزشی که دست رد بر سینه احزاب حاکم میزند!**

پیروزی گابریل بوریچ بر رقیب سرمایه دار مرتجعش یکی دیگر از جلوه های پشت کردن اکثریت جامعه به احزاب و شخصیت هایی است که در حکومت بوده اند. مهم نیست این احزاب خود را چه بنامند. راست یا چپ، راست میانه و یا چپ میانه، محافظه کار یا سوسیال دموکرات. از نظر اکثریت عظیم محروم جامعه اینها احزاب و شخصیتها و سیاستمدارانی هستند که همین نظام را به نفع اقلیت سرمایه دار حاکم و بهداشت و مسکن و در یک کلمه رفاه و امنیت و کرامت

از سه چهارم رای دهندگان به تغییر قانون اساسی رأی دادند و ۷ ماه بعد در مه سال ۲۰۲۱ در انتخابات تشکیل مجلس موسسان قانون اساسی، حزب حاکم شکست سختی را تحمل کرد و اکثریت کرسیهای مجلس موسسان قانون اساسی به نمایندگان جنبش اعتراضی حاضر در خیابان تعلق گرفت.

طنز تلخ برای طبقه حاکم شیلی این حقیقت بود که همان استادبومی که محل قتل عام بیش از ۵۰۰۰ کارگر و دانشجوی زن و مرد بیخاسته، هزاران جوان سوسیالیست و معترض، شاهد شکستن انگشتان گیتاریست محبوب و معترض ویکتور خارا بود، این بار شاهد جمعیت عظیمی شد که در مقابل همان استادبوم صف کشیدند تا قانون اساسی دوران پینوشه، قانون اساسی مورد حمایت پینیرا که اتفاقا برادرش در منصب وزیر کار پینوشه میلیونها کارگر شیلی را به خاک سیاه نشانده بود را به تاریخ بسپارند.

سرمایه داری شیلی به معیشت و کرامت کارگران و اکثریت ۹۹ درصدی بود. این جنبش خواهان تامین درمان و آموزش مردم توسط دولت، خواهان کاهش ساعت کار کارگران، خواهان سهم عادلانه کارگران از ثروتی که خودشان تولید میکنند، خواهان تامین حقوق بازنشستگان برای یک زندگی انسانی، خواهان برابری حقوق زنان و در یک کلام خواهان پایان دادن به میراث اقتصادی و سیاسی دورانی بودند که مهر پینوشه را بر خود داشت.

طبقه حاکم شیلی با خشونت تمام به سراغ این جنبش رفت. اما علیرغم کشتار ۳۰ معترض و زخمی کردن صدها نفر، اعتراض نه تنها خاموش نشد بلکه هر روز قدرت و وسعت بیشتری گرفت و نهایتا توانست خواست رفراندوم برای تغییر کامل قانون اساسی - نه اصلاح بلکه جایگزینی قانون اساسی با رنگ و بوی دوران پینوشه توسط یک قانون اساسی جدید - را به حکومت تحمیل کند و در همه پرسی اکتبر ۲۰۲۰ بیش

در چهل سال گذشته قدرت سیاسی بارها و بارها در بسیاری از کشورهای آمریکای لاتین از جمله در شیلی، جنبشهای گسترده اعتراضی با حضور طبقه کارگر، دانشجویان و اکثریت عظیم مردم محروم و فقر زده توانسته اند دیکتاتورهای نظامی را کنار بزنند، انتخابات را تحمیل کنند و متعاقبا نیروها و شخصیتهای چپ گرا توانسته اند نهادهای قدرت سیاسی مثل ریاست جمهوری را بدست بگیرند.

اکتبر ۲۰۱۹ در شیلی یکی از این خیزشهای توده ای بود. در این ماه، افزایش قیمت بلیط قطار شهری کافی بود تا میلیونها مردم از دانش آموزان و دانشجویان گرفته تا کارگران و زنان به خیابانها بریزند و با یک جنبش شکوهمند اعتراضی، پینیرا رئیس جمهور میلیاردی محافظه کار از حزب حاکم را به چالش بکشند. این جنبش خیلی زود نشان داد صرفا یک اعتراض علیه گرانی بلیط مترو نیست. جنبشی برای پایان دادن به سالها تعرض

علیه طبقه کارگر شیلی راه انداخت. در استادبوم ورزشی سانتیاگو بیش از ۵ هزار معترض طرفدار عدالت و آزادی را قتل عام کردند. هزاران معترض دیگر را دستگیر و شکنجه و سربیه نیست کردند و شیلی را به کشوری تبدیل کردند که امروز یکی از نابرابرین کشورهای جهان محسوب می شود. فقط یک درصد طبقه دارا ۲۵ درصد ثروت کشور را صاحب هستند.

اما مثل همه دنیا تا زمانی که فقر و نابرابری هست مبارزه و تلاش برای رهایی از آن هم هست. شیلی هم از این قاعده مستثنی نیست. در شیلی، تلاش و مبارزه اکثریت محروم و ستمدیده علیه شرایط نابرابر حاکم در شیلی آنقدر قدرت گرفته بود که وقتی در سال ۲۰۰۵ آگوستو پینوشه مرد، میشل باشلت، زنی چپگرا و آتیست و طرفدار برابری، از بازماندگان شکنجه گاههای همین پینوشه در کاخ ریاست جمهوری بود.

**مبارزه برای عدالت و برابری!**



در چپاول محصول کار کارگران است - اقدام خواهد کرد. برای تحقق مسئولیت جامعه در قبال شهروندان، برای تأمین نیازهای اساسی شهروندان مثل درمان و آموزش و مسکن و خوراک و پوشاک توسط دولت اقدام خواهد کرد و باید تأکید کرد که فراتر رفتن از این حد، یعنی استراتژی پایان دادن به نظم طبقاتی در دستور نیست. اما سؤال این است که حتی در این سطح هم چنین دولتی تا چه زمانی و در چه ابعادی می تواند پیشروی کند!

#### موانع:

اولین چالش در مقابل تحقق اهداف چنین دولتی، خود طبقه سرمایه دار است که قرار است دستش از تبدیل کردن بخشی از نیازهای شهروندان به کالایی سود کوتاه شود. این طبقه مالک وسایل و منابع تولید است و از نظر اقتصادی در جامعه حاکم است اگر چه یکی از پستهای سیاسی مهم همین

شدن بورج، کسی به نمایندگی از همین جنبش قرار است این بار از بالا و با اتکاء به نهادهای جاری نظام طبقاتی جاری را به نفع اکثریت تجدید سازمان دهد.

اولین سؤال این است که چنین دولتی تا چه حد می خواهد برای رسیدن به این اهداف چهارچوب نظم طبقاتی حاکم را در هم بشکند؟ تا چه حد می خواهد برای فراتر رفتن از این چهارچوب همچنان به نیرویی اتکا کند که حضورش در دولت را مدیون تحرک آن بوده است؟ تا چه حد اراده میکند آن جنبش قدرتمند را زنده نگه دارد؟ تا چه حد می خواهد این جنبش سیاسی را به سمتی ببرد که در عین تحمیل اصلاحات از بالا به نظام حاکم، نهایتاً بنیادهای نظام را به چالش بکشد و زیر و رو کند.

همه شواهد نشان میدهند که دولت بورج برای کوتاه کردن دست "نامرئی بازار آزاد" - که همان اسم رمز باز گذاشتن دست سرمایه داران برای رقابت

است. اما هنوز این رویگردانی منجر به متشکل شدن همین توده ها حول یک حزب سیاسی نشده است که دستور کارش زیر و رو کردن بنیادی این نظام باشد.

گابریل بورج به عنوان یکی از رهبران اعتراضات دانشجویی و اعتراضات علیه سرمایه داری عنان گسیخته بازار آزادی با گابریل بورج در مقام یک رئیس جمهور یک تفاوت دارد. به عنوان یکی از رهبران جنبش اعتراضی علیه وضع موجود، جنبش برای عدالت اقتصادی، جنبش برای تأمین درمان و آموزش و مسکن و معیشت شهروندان، تمام قدرت او در قدرتمند بودن خیابان بود که با اتکا به آن توانست یک شخصیت راستگرای طرفدار نابرابری طبقاتی را شکست دهد. تا اینجا ما با یک جنبش در خیابان روبرو هستیم که احزاب و شخصیت‌های علنا پاسدار نظم حاکم را با اتکا به اکثریت تهیدست جامعه، اکثریت معترض جامعه به چالش می کشد. اما با رئیس جمهور

دزد هستید. همه فاسد هستید. همه غارتگر و چپاولگر هستید. هم ستمگر هستید. همه دروغ میگویند و همه باید بروید. مردم محروم به پاخاسته تشنه آلترناتیوی هستند که تماما و به طور بنیادی و رادیکال در مقابل احزاب حاکم باشد.

اما سؤال تاریخی تری این وسط مطرح است. سؤال این است که امکانات و موانع پیش پای امثال بورج برای یک تغییر دامن دار و ادامه دار در جهت تحقق عدالت و آزادی برای اکثریت محروم جامعه و به این اعتبار کل جامعه و شهروندان چه هستند؟

#### شیلپی به کدام سمت می‌رود؟

رویگردانی مردم از احزاب سنتی دخیل در حاکمیت که در چشم مردم همه یکجا در نقش پاسداری از نظم طبقاتی سرمایه داری حاکم علیه اکثریت عظیم کارگران، استثمار شدگان و اقشار محروم ظاهر شده اند، یک روند کم و بیش مشابه است که مدت مدیدی است آغاز شده

انسانی اکثریت مردم سازمان داده اند. اینها به درستی به مثابه اهرمهای سیاسی تعرض طبقه حاکم سرمایه دار به طبقه کارگر و اکثریت عظیم شناخته میشوند.

بی اعتمادی به احزاب حاکم و هر سیاستمداری که به این احزاب تعلق دارند مدت‌هاست که به یک پارادایم سیاسی تبدیل شده است. این پارادایم مختص آمریکای لاتین هم نیست. جهانی است و مخصوصا در دهه اخیر فضای اجتماعی و سیاسی در کل جهان سرمایه داری را تسخیر کرده است. از خیزشهای موسوم به بهار عربی تا اشغال وال استریت و اشغال میدین تا خیزش جوانان غزه تا مردم بی‌پاخاسته عراق همه با یک خط قرمز به هم وصل میشوند: اینکه از نظر اکثریت پامال شده اینها همه سر و ته یک کرباسند. بی دلیل نیست که در همه این خیزشها مردم معترض خطاب به طبقه حاکم و احزاب و نهادها و ارگانها و شخصیت‌هایش فریاد میزنند: شما همه از یک جنسید. همه

ادامه از صفحه ۳

”مستقل از هر تصویری از پیروزی، همینکه در یک کشور مهم آمریکای لاتین، کشوری با جمعیت بیست میلیونی که به اولین آزمایشگاه خونین شوک تراپی تبدیل کردند، جنبش اعتراضی برای معیشت و کرامت انسانی بخشی از قدرت را از دست میلیاردرهای پامال کننده کرامت انسانی در آورده اند، به خودی خود یک پیشروی است و به هر درجه ای و برای هر مدتی که بتواند منابع و ثروت جامعه را از چپاولگران سرمایه دار در بیاورند و در جهت تامین معاش و بهداشت و درمان و آموزش و مسکن و رفاه جامعه سازمان دهند یک پیشروی محسوب میشود.“

نظام به دست یکی از رهبران چپ گرای طرفدار دولت رفاه افتاده است. طبقه سرمایه دار تا زمانی که هست، از نظر اقتصادی حاکم است، به هر توطئه و به هر جنایتی متوسل میشود که دولت هیچ نقشی جز تامین شرایط ارزش افزایی این طبقه ایفا نکند.

دومین چالش، این است که اگرچه قدرت اجرایی (دولت) در دست اوست اما این به معنای کل قدرت سیاسی نیست که بسیار فراتر و بسیار پیچیده تر عمل میکند. معلوم است که طبقه حاکم تلاش برای به شکست کشاندن اصلاحات به نفع توده مردم را به قلمرو اقتصاد محدود نخواهد کرد. در همین قلمرو سیاسی، در همین نهادها و ارگانهای متنوعی که در کل ساختار سیاسی سهم دارند، مثل مجلس قانون گذاری و قوه قضائیه و قدرت رسانه ای تلاش خواهد کرد جنبش اعتراضی برای هر سطح از تغییر در نظم موجود را به تجربه ای تلخ تبدیل کند. همچنانکه قبلا در خیلی از کشورها از جمله در یونان و ونزوئلا و بولیوی و برزیل و در خود همین شیلی (دوره میشل باشلت) انجام داد.

سومین چالش، طبقه سرمایه دار جهانی، مشخصا در آمریکا و مخصوصا آمریکای لاتین است که مثل همه جای دنیا منافعیست با هزار رشته اقتصادی به شیلی وصل است و به این اعتبار از تحولات سیاسی در شیلی متأثر است. در مورد آمریکای لاتین موضوع نگرانی در کنار منافع اقتصادی، خطر سرایت دومینویی فضای شیلی به این کشورها هم هست.

#### امکانات:

بسته به اینکه پیروزی را چطور تعریف کنیم پاسخ این سؤال متفاوت خواهد بود. اما مستقل از هر تصویری از پیروزی، همینکه در یک کشور مهم آمریکای لاتین، کشوری با جمعیت بیست میلیونی که به اولین آزمایشگاه خونین شوک تراپی تبدیل کردند، جنبش اعتراضی برای معیشت و کرامت انسانی بخشی از قدرت را از دست میلیاردرهای پامال

از کشورهای اروپایی کاملا نهادینه شده است. تضمین رفاه دولتی، رفاهی که کمک می کند شهروندان بدون توجه به پول توجیبی شان از حقوق برابر برخوردار شوند.

و این اصلی ترین مانع در مقابل رهبرانی مثل گابریل بوریچ است. اصلی ترین مانع است به این خاطر که قصد فراتر رفتن از نظم موجود را ندارند. قصد پایان دادن به حاکمیت سرمایه و سود بر جامعه را ندارند. مادام که سرمایه و سودآوری سرمایه، استثمار کار مزدی اکثریت عظیم جامعه رکن اقتصادی جامعه است، به این ترتیب مادام که ثروت خلق شده توسط طبقه کارگر قدرت اقتصادی و طبعا سیاسی طبقه سرمایه دار را تامین میکند، هر اصلاحی حتی اگر ممکن شود پایدار نخواهد بود. طبقه سرمایه دار میتواند به هزار شکل مانع تحقق حتی ابتدایی ترین اصلاحات به نفع توده های محروم شود، نیرو بسیج کند و نهایتا ارگانهای سیاسی که در متن یک جنبش اعتراضی از دست داده است را باز پس بگیرد.

۲۳ دسامبر ۲۰۲۱

شهروند - ژورنالیستهای تلفن بدست برای انتشار هر خبر و تفهیم آن خبر باید دوبار فکر کنند. امروز به یمن شهروندان ژورنالیست، قتل عام هزاران نفره در استادیوم سانتیاگو قبل از هر چیز در خود آمریکا آن نیرویی را به میدان می آورد که اشغال وال استریت را خلق کردند.

اینها فقط بخشی از امکاناتی هستند که مسیر را برای اصلاحاتی به نفع اکثریت ۹۰ درصد مردم توسط رئیس جمهوری که به مثابه نماینده جنبش عدالت طلبانه اکتبر قدرت اجرایی را به دست گرفته است هموار میکند. از اصلاحات اسم میبرم نه تغییرات بنیادی در نظام طبقاتی. خود گابریل بوریچ استراتژی تغییرات بنیادی در برنامه اش نیست و اساسا هدفش دولت رفاه و سوسیال دموکراسی است که بعد از انقلاب اکتبر روسیه توسط بخشی از بورژوازی جهانی از ترس گسترش انقلاب در کشورهای متبوعه در پیش گرفته شد. تصویر خود بوریچ از اقدامات بنیادین این است: چیزی که در بسیاری

توده های وسیعی هستند که خیزش میلیونی اکتبر دو سال پیش را خلق کردند. میلیونها کارگر، دانش آموز، دانشجو، زن و اقشار تهیدست و محروم و سرکوب شده دیگر که به خیابانها ریختند تا به نهادها و احزاب حاکم و شخصیت هایش نه بگویند.

۲ - دومین امکان این است که دنیای امروز شبیه دوران آئنده و کودتای پینوشه نیست. آمریکا دیگر آن ابرقدرت قدر قدرت نیست که بتواند به کمک سیا کاخ ریاست جمهوری را بمباران کند؛ رئیس جمهور قانونی را بکشد؛ عملیات کندور برای قلع و قمع نیروهای چپ و سوسیالیست در کل آمریکای لاتین راه بیاندازد و جانیانی مثل آگوستو پینوشه را به قدرت برساند.

۳ - سومین امکان این است که افکار عمومی جهان دیگر در انحصار امثال سی ان ان و فاکس نیوز نیست که بتوانند افکار عمومی را آنطور که طبقات حاکم میخواهند مهندسی کنند. امروز حتی گولهای رسانه ای سر به طبقات حاکم از ترس

کننده کرامت انسانی در آورده اند، به خودی خود یک پیشروی است و به هر درجه ای و برای هر مدتی که بتواند منابع و ثروت جامعه را از چپاولگران سرمایه دار در بیاورند و در جهت تامین معاش و بهداشت و درمان و آموزش و مسکن و رفاه جامعه سازمان دهند یک پیشروی محسوب میشود. اتفاقی که بنا بر تجربه های پیشین در خود آمریکای لاتین برای مدتی محدود امکان پذیر شده است.

اما در دراز مدت، پاسخ این سؤال منوط به این است که این دولت چقدر اراده کند و چقدر بتواند امکانات پیش رویش به عنوان دولت را به کار گیرد و در ادامه خیزش اکتبر این بار از بالا اما همچنان با اتکا به پایین و اکثریت عظیم کارگران و جوانان و زنان و با کمک گرفتن از امکاناتی که حضور در راس قوه اجرایی فراهم میکند بخواند تغییرات اساسی در ساختار اقتصادی و همچنین سیاسی ایجاد کند.

اما این امکانات چه ها هستند؟

۱ - اولین و مهمترین امکان

## لایحه بودجه و جنگ حکومت علیه مردم این نوشته بر مبنای مصاحبه با کانال جدید تدوین شده است



**خلیل کیوان:** بودجه در اقتصاد ورشکسته جمهوری اسلامی چه جایگاهی دارد؟ آیا با بودجه بندی مسئله اقتصاد ایران حل میشود؟ چه رابطه ای بین بودجه و مساله برجام وجود دارد؟ چرا در طرح لایحه بودجه ۱۴۰۱ مساله نظارت بر شرکتها و بانکهای دولتی مسکوت مانده است؟ افزایش سنگین مالیاتها چه تاثیری بر اقتصاد و زندگی مردم دارد؟ این مساله چه تاثیری بر اعتراضات جاری معلمان و جنبش افزایش دستمزدها و حقوقها دارد؟ و بالاخره چرا بودجه نیروهای سرکوب و تحمیق را اضافه کرده اند؟

با حمید تقوایی هستیم و این پرسشها را با ایشان در میان میگذاریم. حمید تقوایی، سؤال اولم این است که بودجه در اقتصادی مثل جمهوری اسلامی که کاملا ورشکسته است چه جایگاهی دارد؟ آیا با بودجه بندی مشکل اقتصاد را میتوانند حل کنند؟

**حمید تقوایی:** به هیچوجه. اولاً در هیچ کشوری بودجه آن نقش را ندارد که فرض کنید سیاستهای اقتصادی و یا سیاستهای مالی دارد. هدف بودجه بندی تنظیم دخل و خرج دولت هست در رابطه با عرصه های مختلف اقتصادی چه بخش دولتی و چه بخش غیردولتی.

ولی در جمهوری اسلامی بودجه حتی این نقش را هم ندارد. بخاطر اینکه همانطور که اشاره کردید و همه مردم هم میدانند اقتصاد جمهوری اسلامی ورشکسته است. خود حکومتی ها این را اعلام کرده اند. میگویند حتی اگر برجام احیا بشود از ورشکستگی گریزی نیست بلکه حداکثر دو سه سال دیرتر اتفاق می افتد. ورشکستگی به این معنا که حتی حقوق کارمندا را هم نخواهند توانست بپردازند. روشن است که با هیچ نوع بودجه بندی نمیشود این

تا سران سپاه و امام جمعه ها و آیت الله های میلیاردی و غیره و غیره وصل هستند، بر اقتصاد چنگ انداخته اند. اینها با کلاه بخش خصوصی مزایده مناقصه هائی که بین خودشان میگذارند را میبرند و منابع ثروت جامعه و مراکز و شرکتهای تولیدی و خدماتی را در اختیار خود میگیرند، و در لباس دولت از رانتهای اقتصادی برخوردار میشوند و قوانین و ماشین دولتی را در جهت تامین منافعی بکار میگیرند. میدانید که بخش اعظم اقتصاد ایران تحت سلطه سپاه و بسیج است و نهادهای دیگری مثل ستاد اجرای فرمان امام و آستان قدس رضوی و بیت رهبری هم از جمله دیگر نهادهای حکومتی هستند که لجام گسیخته به جان منابع ثروت و شرکتهای و مراکز تولیدی جامعه افتاده اند. همه اینها هم دولتی هستند و هم خصوصی.

این که در این بودجه نظارت بر شرکتهای دولتی را کنار گذاشته اند نشان دهنده همین خصلت مافیائی و نه دولتی، نه خصوصی اقتصاد ایران است. باندهای مافیائی نمیخواهند آقا بالا سر داشته باشند و تحت هیچ نوع نظارتی باشند. اصلاً نظارت دولت و یا مجلس بر کار آنها معنائی ندارد. خودشان کارفرما و دولت و وکیل و وزیر هستند و مجلس را هم خودشان در اختیار دارند. نظارت عملاً معنائی ندارد و در بودجه کذائی شان هم رسماً آنرا کنار گذاشته اند.

این بهانه که تعداد شرکتهای دولتی زیاد است هم بسیار مسخره است. در بسیاری از کشورها همین وضعیت هست. اگر قرار بود به خاطر کثرت شرکتهای دولتی کنترل و نظارتی بر کار آنها نباشد در کشوری مثل چین که تعداد این نوع شرکتهای نه چهارصد بلکه از چهارصد هزار هم بیشتر است دولت باید از هر

ادامه در صفحه ۶

” در جمهوری اسلامی بخش دولتی و خصوصی، به شکل متعارفی که در کشورهای دیگر وجود دارد، اصلاً معنائی ندارد و به همین دلیل هم کنترل بر بخش دولتی معنائی ندارد. خود کارشناسان حکومت آنرا یعنی سیستم اقتصادی موجود را ”خصولتی“ مینامند. یعنی نه دولتی است و نه خصوصی، و هم دولتی است هم خصوصی. آنچه ”خوبان“ همه دارند این سیستم به تنهائی دارد! فعال مایشائی و چپاولگری بخش خصوصی را با فساد و اعمال نفوذ و رانتخواری دولتی یکجا در خود جمع کرده است.“

خود کارشناسان حکومت آنرا یعنی سیستم اقتصادی موجود را ”خصولتی“ مینامند. یعنی نه دولتی است و نه خصوصی، و هم دولتی است هم خصوصی. آنچه ”خوبان“ همه دارند این سیستم به تنهائی دارد! فعال مایشائی و چپاولگری بخش خصوصی را با فساد و اعمال نفوذ و رانتخواری دولتی یکجا در خود جمع کرده است.

همه میدانند که باندهای مافیائی که همه مستقیم و غیر مستقیم به بالاترین رده های حکومت، از بیت رهبری

شرکتها و بانکها نیست. صحبت از ۴۰۰ شرکت دولتی است. چرا اینطور است؟ البته بهانه می آورند که چنین نظارتی عملاً امکان پذیر نیست. نظر شما چیست؟

**حمید تقوایی:** همانطور که گفتید اینها بهانه است. واقعیت اینست که در جمهوری اسلامی بخش دولتی و خصوصی، به شکل متعارفی که در کشورهای دیگر وجود دارد، اصلاً معنائی ندارد و به همین دلیل هم کنترل بر بخش دولتی معنائی ندارد.

مسئله را حل کرد. آن هم بودجه بندی ای که هدفش تقویت هر چه بیشتر باندهای مافیائی باشد. چنین بودجه ای نه تنها نقش مثبتی در شرایط اقتصادی نخواهد داشت بلکه بحران اقتصادی را بمراتب شدید تر و برای مردم غیر قابل تحمل تر خواهد کرد.

**خلیل کیوان:** به اقتصاد مافیائی اشاره کردید. بخشی از بودجه که ۶۰ درصد مبلغ کل بودجه را شامل میشود مربوط به شرکتها و بانکهای دولتی است. نظارتی بر این

ادامه از صفحه ۵

حکومت میخواهد از طریق دست بردن به جیب مردم بخشی از بودجه اش را تامین کند. برای مثال معلمان که در همین روزها شاهد اعتراضات و تجمعات سراسری و گسترده آنها هستیم از جمله مطالباتشان طرح رتبه بندی مشاغل و همسان سازی حقوقها است و بودجه ای که دولت برای حقوقها در نظر گرفته است بسیار کمتر از آن چیزی است که معلمان مطالبه میکنند. تامین حقوقی فراتر از خط فقر برای معلمان به چیزی در حدود ۲۸۵ هزار میلیارد تومان نیاز دارد در حالیکه تنها ۱۲ هزار و پانصد میلیارد تومان به این امر اختصاص داده اند.

نوع کنترل و نظارتی خود را معاف میکرد. مساله تعداد شرکتهای نیست، کنترل مافیائی باندهای حاکم بر این شرکتها است.

**خلیل کیوان:** مسئله دیگری که سایه اش را بر سیاست و اقتصاد ایران انداخته است مساله برجام است. اینها بودجه شان را بر اساس فروش یک میلیون و دویست هزار بشکه نفت در روز، با نرخ بشکه ای ۶۰ دلار بسته اند. خوب هر تغییر و تحولی در این امر کل بودجه را به هم میریزد. بخصوص عاقبت برجام نقش تعیین کننده ای در تغییر ارقام بودجه ایفا میکند. نظر شما در این مورد چیست؟

میلیارد تومان نیاز دارد در حالیکه تنها ۱۲ هزار و پانصد میلیارد تومان به این امر اختصاص داده اند. به همین دلیل معلمان فی الحال اعلام کرده اند که این بودجه را نمی پذیرند و با لایحه بودجه مقابله خواهند کرد. سؤال اینست که با توجه به این نوع بودجه بندی، اعتراضات معلمان و سایر اقشار مردم چه سیری پیدا خواهد کرد؟

عهده اش بر می آید. فشار بر اکثریت عظیم بزیر خط فقر رانده شده، به نود و نه در صدها، وارد میشود.

فی الحال اکثریت عظیم مردم در همین سطح از قیمتها و تورم قادر به تامین معاش خود و خانواده شان نیستند. مردم دارند ۵ مرتبه زیر خط فقر زندگی میکنند. و یک مبارزه گسترده کارگران بخشهای مختلف جامعه مبارزه برای افزایش دستمزدها و حقوقها است. در چنین شرایطی افزایش ۶۴ درصدی مالیات بر کالاهای مصرفی یعنی دست درازی بیش از پیش حکومت به سفره خالی مردم برای تامین هزینه حفظ خودش در قدرت.

**حمید تقوائی:** به نظر من این لایحه بودجه مومنتم و تحرک تازه ای به مبارزات مردم میدهد. معلمان فی الحال اعلام کرده اند که با این رقمی که برای بودجه حقوقها از جمله حقوق معلمان در نظر گرفته شده روشن است که خواستههای برحق ما برآورده نخواهد شد. باید توجه داشت که جمهوری اسلامی همیشه همین سیاست را داشته است و این موضوع تازه ای نیست، نکته جدید چالش خیابانی لایحه بودجه است. تحول جدید اینست که مبارزه همیشگی کارگران و مردم برای افزایش حقوقها و دستمزدها به سطح مبارزه خیابانی علیه بودجه ارتقا یافته است. جنبشی که هدفش افزایش حقوقها و دستمزدها به حداقل دوازده

**خلیل کیوان:** بله حکومت میخواهد از طریق دست بردن به جیب مردم بخشی از بودجه اش را تامین کند. برای مثال معلمان که در همین روزها شاهد اعتراضات و تجمعات سراسری و گسترده آنها هستیم از جمله مطالباتشان طرح رتبه بندی مشاغل و همسان سازی حقوقها است و بودجه ای که دولت برای حقوقها در نظر گرفته است بسیار کمتر از آن چیزی است که معلمان مطالبه میکنند. تامین حقوقی فراتر از خط فقر برای معلمان به چیزی در حدود ۲۸۵ هزار

ماه بعد هم دوام نخواهد آورد. عامل این وضعیت در واقع بی ثباتی کامل شرایط اقتصادی جمهوری اسلامی است.

بنابراین از این نقطه نظر هم این بودجه مساله ای را حل نمیکند. در هر حال از هر نظر که نگاه کنید رژیم یک بحران همه جانبه سیاسی استراتژیک اقتصادی مواجه است که ریشه اش نفس موجودیت حکومت هست و تا وقتی جمهوری اسلامی هست شرایط هم همین خواهد بود.

**خلیل کیوان:** برویم به سراغ مسئله مالیاتها. بخشی از درآمد دولت در این بودجه از محل مالیاتهای مستقیم تامین میشود. از جمله مالیات بر کالاها و خدمات که بیش از ۶۴ درصد افزایش یافته است. این امر بر زندگی مردم چه تاثیری دارد؟

**حمید تقوائی:** معنی افزایش مالیات کالاها اینست که دولت میخواهد کسری بودجه خودش را از جیب توده مردم مصرف کننده تامین کند.

میزان مالیات بر کالاها و خدمات از میزان درآمد مصرف کننده ها مستقل است. به عبارت دیگر فقیر و غنی به یکسان مالیات میدهند. ثروتمندان که مشکلی ندارند، قیمتها چند برابر هم بشود از

یکسو از نظر استراتژیک و سیاسی ناگزیر است بر طبل ضد آمریکائی و غرب ستیزی بکوبد، این بخشی از هویت حکومت است و به همین دلیل نمیتواند کوتاه بیاید، و از طرف دیگر تا وقتی این شرایط هست وضعیت اقتصادی مدام به قهقرا میرود و از بد بدتر میشود. بنابراین حتی اگر فرض کنیم رسیدن به توافق بر سر برجام میتواند بحران اقتصادی را تخفیف بدهد مسئول این وضعیت هم باز خود جمهوری اسلامی است. رژیم بخاطر حفظ موقعیت سیاسی و هویت خودش نمی تواند ضدیت با غرب را کنار بگذارد.

و اما از نظر اقلیمی که در مورد بهای نفت و میزان فروش نفت ذکر کردید باید در نظر داشت که اینها بر مبنای نرخ ارز در شرایط امروز محاسبه شده است. همه میدانیم این نرخ ثابت نخواهد ماند و ارزش ریال مدام کمتر و کمتر خواهد شد. خودشان پیش بینی میکنند که در ۴-۵ سال آینده ارزش دلار تا ۲۸۵ هزار تومان افزایش خواهد یافت. و امروز هم می بینیم که روزانه ارزش ریال در حال سقوط است. بنابراین بهای هر بشکه نفت امروز هر چقدر باشد درآمد ناشی از فروش نفت به سرعت کاهش خواهد یافت. ارقام و محاسبات این بودجه حتی تا ۶

**حمید تقوائی:** تا آنجا که به برجام مربوط میشود به نظرم بن بست برجام مزید بر علت است، وضع بد را بدتر کرده است. ولی ریشه مساله نیست. من همیشه گفته ام که یکی از بزرگترین خیزشهای مردم یعنی خیزش توده ای ۹۶ در اوج برجام اتفاق افتاد. محور آن هم فقر و تورم و بیکاری بود که ظاهراً قرار بود برجام آنها را حل کند. همین نمونه کافیس نشان بدهد که بود و نبود برجام بر اصل مساله یعنی بحران اقتصادی و بویژه تورم و بیکاری و وضعیت معیشتی چند برابر زیر خط فقر اکثریت جامعه تاثیری ندارد. اینها مسائل ساختاری و نهادینه اقتصاد جمهوری اسلامی است و از نفس وجود و سیاستهای پایه ای حکومت نشات میگیرد. و نه از رابطه جمهوری اسلامی با غرب و برجام و عدم برجام.

در شرایط امروز جمهوری اسلامی به طرف فروپاشی و بن بست کامل اقتصادی میرود و حتی اگر کسی لغو برجام و تحریمهای اقتصادی را موجد این وضعیت بداند باید به این سؤال پاسخ دهد که که ایزوله شدن اقتصادی جمهوری اسلامی تقصیر کی است؟ کش پیدا کردن مذاکرات و معلق ماندن برجام چه علتی دارد؟ جمهوری اسلامی از

ادامه از صفحه ۶

این مساله که مافیای اقتصادی این بودجه را در تامین منافع خودشان سر هم کرده اند و این یک بودجه جنگی به نفع ارگانهای سرکوبگر مردم و به ضرر مردم است، باعث میشود که جنبش برای افزایش دستمزدها و تامین معیشت گسترده تر و استراتژیک تر و متحد تر به پیش برود. حزب ما با تمام توان و امکاناتش سعی میکند هر چه بیشتر این روند تقویت بشود و با سرنگون کردن جمهوری اسلامی به پیروزی برسد. ۶۶

میلیون است امروز در سطح عمیقتری رژیم را به چالش میکشد و اعلام میکند بودجه را قبول ندارد. مردم بهانه رژیم که پول نداریم را با رجوع به خود بودجه جواب میدهند. میگویند چطور بودجه نهادهای سرکوب و تحمیق را چند برابر کرده اید ولی به معلم و حقوق بگیران که میرسد پول ندارید؟! معلمان اولویتهای حکومت را بزرگ سوال میبرند و از حالا دارند اعلام میکنند و در واقع اولتیماتوم میدهند که اگر این لایحه تصویب بشود مبارزه شان گسترده تر خواهد شد.

**خلیل کیوان:** آنچه در لایحه بودجه خیلی برجسته است افزایش بودجه نیروهای سرکوب و تحمیق است. مثلا سپاه ۲۴۰ درصد بودجه اش اضافه شده. صدا و سیما ۵۶ درصد. بودجه وزارت کشور برای "استقرار نظم عمومی و امنیت داخلی"، که نام دیگری برای سرکوب مردم است، ۶۰۰ میلیارد است. نهادهای اطلاعاتی و جاسوسی جدید در بخشی از نیروهای انتظامی تأسیس کرده اند و بودجه های کلانی را به آن اختصاص داده اند. همینطور برای بسیج و نهی از منکر و انواع و اقسام انگلهای اسلامی مثل حوزه علمیه و شورای ائمه جمعه و غیره. سؤال اینست که اگر وضع اقتصاد کشور خراب است و آنطور که ادعا میکنند دولت پول ندارد چرا این بخش بودجه را چنین با دست و دلبازی تنظیم کرده اند؟

**حمید تقوائی:** جواب سؤال شما در خود سؤال نهفته است: بودجه سرکوب و تحمیق را افزایش داده اند چون با یک بحران عمیق اقتصادی و سیاسی مواجه اند. مردم و معلمان هم این واقعیت را می بینند و یکی از اعتراضاتشان همین است. بحث بر سر این نیست که رژیم پول دارد و یا ندارد. مساله اولویتهای اولویت رژیم حفظ خودش در قدرت است و به همین خاطر امکانات مالی اش را صرف سرکوب و تحمیق و ارگانهای انتظامی و اطلاعاتی و تبلیغاتی

و با تورم و گرانی سرسام آور و افزایش مالیات بر کالاهای مصرفی، بیش از پیش به سوی بی تاملی و فلاکت سوق یافته اند. همانطور که گفتم این یک جنگ است. جنگ بی امانی بین مردم و حکومت و لایحه کذائی بودجه یکی از اقدامات دشمنان مردم برای تقویت موقعیت خودشان در برابر صف مبارزاتی توده مردم است.

**خلیل کیوان:** بله اینطور که میگویند تقابل بزرگی بین مردم و حکومت در جریان است. چطور میشود در چنین تقابلی بر حکومت فائق آمد؟

**حمید تقوائی:** با اتحاد و تشکل هر چه بیشتر مردم بجان آمده و بپاخاسته. و ما خوشبختانه شاهد این روند هستیم.

به نظر من اعتراضات در جامعه دارد به سطح عالیتتری ارتقا پیدا میکند. از جمله همین مبارزه برای افزایش دستمزدها و حقوقها که امروز بودجه و سیاستها کلان اقتصادی حکومت را بزرگ سؤال میبرد. و یا در تجربه کارگران هفت تپه که مساله مقابله با بخش خصوصی و باند اسدیگی - که البته دست در دست دولت داشت و کارگران هم بارها در مبارزاتشان این نکته را مطرح و افشا میکردند - و خلع ید از کارفرما یک خواست مهم بود که بالاخره هم کارگران در این مبارزه پیروز شدند.

میشود، میلیاردها ارز دولتی کم می. شد، بعلاوه غیب شدن دیگر منابع مالی و تروتهای جامعه که به امری روزمره و عادی تبدیل شده. خوب اینها در جیب گشاد آیت الله ها و باندهای مافیائی حکومت کم میشود. این هم رویه دیگر ادعای بی پولی حکومت است.

باید توجه داشت که جامعه ایران به هیچوجه جامعه فقیری نیست. از نظر نه فقط نفت و گاز بلکه جنگلها و معادن و اراضی مستعد کشاورزی و امکانات تولیدی و غیره. ولی باندهای مافیائی بر این امکانات چنگ انداخته اند، صادرات، واردات، حتی بنادر و فرودگاههای ویژه خود را دارند با عنوان جنگل خوار و زمین خوار و سلطان سکه و سلطان شکر و غیره. این ها همان یک درصدی هائی هستند که به دلار میلیونر و میلیاردر اند، در مقابل ۹۹ درصدی هائی که نمیتوانند حتی زندگی متعارفی برای خود و خانواده شان تامین کنند.

همه این واقعیات نشان میدهد که موضوع بی پولی و بی امکانی دولت نیست. مساله اینست که تمام تولید و منابع ثروت جامعه به جیب گشاد دارودسته های مافیائی حکومتی سرازیر میشود. و مردم هیچ نصیبی ندارد. یک درصدیها همانها هستند که از هر نوع کنترل و نظارت دولتی و حتی پرداخت مالیات معاف شده اند و در مقابل، توده مردم به حقوقهای زیر خط فقر

خودش میکند و نه صرف راه مرم و حتی دادن حق مسلم مردم مثل پرداخت دستمزدها که شش ماه شش ماه به عقب می اندازند. سپاه و نیروهای سرکوب را باید پروار کنند که بقول خودشان جلوی شورش گرسنگان را بگیرند.

این یک بودجه جنگی است. جنگ حکومت با مردم. آنچه تامین امنیت مینامند، عبارتست از تامین مالی زندانها و نیروهای ضد شورش و انتظامی و دستگاه عریض و طویل سرکوب برای مقابله با اعتراضات گسترده ای که از هر سو رژیم را محاصره کرده است. این در واقع بودجه جنگی است برای آماده سازی حکومت در مقابله با طوفان هائی که خودشان پیش بینی میکنند در راه است.

مردم هم این را میدانند که مساله بر سر این نیست که دولت پول ندارد و یا بخاطر بگرام و تحریمها دست تنگ است بلکه مساله اینست که میخواهند با گسترش سرکوب و تحمیق و پروپاگاند حکومتی جامعه را مهار و کنترل کنند. اساس مسئله اینست.

بر کل این وضعیت باید فساد بی حد و حصر حکومت را هم اضافه کرد. ببینید، موضوع، که به سؤال قبلی شما در مورد عدم کنترل بر شرکتهای دولتی هم مربوط میشود، اینست که ما شاهد "گم شدن" ارقام میلیاردی هستیم. دکل نفتی گم میشود، ۱۵۰ میلیون متر مکعب آب زاینده رود گم

این مساله که مافیای اقتصادی این بودجه را در تامین منافع خودشان سر هم کرده اند و این یک بودجه جنگی به نفع ارگانهای سرکوبگر مردم و به ضرر مردم است، باعث میشود که جنبش برای افزایش دستمزدها و تامین معیشت گسترده تر و استراتژیک تر و متحد تر به پیش برود. حزب ما با تمام توان و امکاناتش سعی میکند هر چه بیشتر این روند تقویت بشود و با سرنگون کردن جمهوری اسلامی به پیروزی برسد. ۲۲ دسامبر ۲۰۲۱

## جمهوری اسلامی و اعدام افراد زیر ۱۸ سال



نفس بشر است و مشغول نابودی ساکنین یک کشور است. جمهوری اسلامی رژیم اعدام است و اعدام از همان ابتدا حربه این رژیم برای پیمان کردن حقوق انسانی مردم و سرکوب مردم معترض بوده است. دامنه این اعدامها تا آنجا که به افراد زیر ۱۸ سال برمی گردد بر خلاف ادعای مقامات حکومت اسلامی بهیچوجه کم نبوده است.

جمهوری اسلامی در نزد جهانیان بعنوان جلاذ کودکان شناخته می شود. اعدام کودکان و تلاش مذبحخانه مقامات حکومت برای توجیه این اعدامها در کنار جنایت بی شمار دیگری که جمهوری اسلامی در طول بیش از چهار دهه گذشته مرتکب شده است شواهد غیر قابل انکاری هستند که این رژیم باید در سطح جهانی بایکوت و منزوی شود و از مجامع بین المللی بعنوان نماینده مردم ایران اخراج گردد. صدور قطعنامه در محکومیت رژیم اسلامی خوب است و لی بهیچوجه کافی نیست. جمهوری اسلامی را بایکوت کنید! این خواست مردم ایران است که این رژیم را نه نماینده خود بلکه دشمن خود می دانند.

۲۳ دسامبر ۲۰۲۱

کودکان به قوانین قصاص نه تنها مشکل جمهوری اسلامی را حل نمی کند بلکه آنرا چند برابر میکند: سیستم قضایی جمهوری اسلامی که بر اساس قصاص و فقه اسلامی و بر مبنای توحش و انتقامجویی های رایج در جوامع قبیله ای عشیرتی ۱۴۰۰ سال قبل بنا شده است ناعادلانه و جنایتکارانه است و باید منحل شود.

قوانین مجازات جمهوری اسلامی که از جمله شامل اجرای احکام قتل نفس، قطع و یا نقص اندام بدن، سنگسار و صلب است همگی جنایتکارانه و مصداق شکنجه وحشیانه هستند و باید فوراً ملغی شوند. در قوانینی که مجازات صلب یعنی یکی از وحشیانه ترین نوع اعدام وجود دارد که به موجب آن محکوم به اعدام به مدت سه روز بدون آب و غذا به چوبه دار شبیه صلیب آویزان می شود تا جانش گرفته شود چه جایی برای رعایت حقوق بشر دارد که مقامات جمهوری اسلامی بر آن می بالند؟!!

همانطور که ما بارها گفته ایم بکار بردن رعایت حقوق بشر برای جمهوری اسلامی بسیار لوکس است. این رژیم مخالف

در قطعنامه ایی که اخیراً مجمع عمومی سازمان ملل در محکومیت نقض حقوق بشر در ایران تصویب کرده است از جمهوری اسلامی خواسته شده است که اجرای مجازات اعدام علیه افراد زیر سن قانونی را متوقف کند. در این قطعنامه تصریح شده است که اعدام افرادی که در زمان وقوع جرم زیر ۱۸ سال سن داشته اند، نقض کنوانسیون بین المللی حقوق کودک است.

در پاسخ به این بخش از قطعنامه مجمع سازمان ملل مقامات مختلف جمهوری اسلامی توجیهاتی آورده اند که حتماً باید بطور مشخص جواب بگیرند. کاظم غریب آبادی، معاون امور بین الملل قوه قضائیه و دبیر "ستاد حقوق بشر" جمهوری اسلامی ضمن دفاع پشیمانانه از اعدام کودکان گفته است که "هیچ تعهد بین المللی الزام آوری وجود ندارد که افراد زیر ۱۸ سال مجازات اعدام دریافت نکنند." او در عین حال اضافه کرده است که "قاپبه افراد زیر ۱۸ سال که به سلب حیات محکوم می شوند، در اصل به قصاص اعدام و قصاص تفاوت قائل شد؛ چرا که اعدام حق حکومت است، اما قصاص حق اولیاء دم است."

در مورد بخش اول حرفهای این مقام حکومتی باید بگوئیم که ایشان فقط خودش را به کوچه علی چپ می زند تا اعدام کودکان در جمهوری اسلامی را توجیه کند. همانطور که سازمان عفو بین الملل در جوابیه ای به غریب آبادی نوشته است "ممنوعیت استفاده از مجازات اعدام علیه کسانی که در زمان وقوع جرم کودک بوده اند طبق قوانین بین المللی مطلق و بی قید و شرط است. این ممنوعیت مطلق در میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی و کنوانسیون حقوق کودک، که ایران هر دو را به تصویب رسانده و ملزم به رعایت شان است، تصریح شده



حسن صالحی

هر بار که مجمع عمومی سازمان ملل قطعنامه ای درباره نقض حقوق بشر در ایران صادر می کند مقامات جمهوری اسلامی به تقلا می افتند تا خلاف مفاد آن قطعنامه را ثابت کنند. یعنی تلاش می کنند که بگویند مثلاً از شکنجه و گرفتن اعترافات اجباری در ایران خبری نیست. دروغ شاخداری که هیچکس را نمی تواند فریب دهد. همانقدر که جنایات جمهوری اسلامی زبازند همه است انکار وقیحانه این جنایات توسط رژیم اسلامی هم شناخته شده است. انکار ارتکاب به جنایت و پیمان کردن حقوق شهروندان یکی از شگردهای همه رژیم های دیکتاتور جهان است. این در جمهوری اسلامی ایران هر چه وقیحانه تر و بی شرمانه تر صورت می گیرد. اما این انکار کردن ها جمهوری اسلامی را نجات نخواهد داد. جمهوری اسلامی از معدود حکومت هایی است که در زمان حیات نگینش دادگاههایی تشکیل شده است و به جنایت آن رسیدگی کرده اند. از دادگاه ایران تریبونال گرفته تا دادگان آبان تریبونال و دادگاه حمید نوری از عوامل کشتار زندانیان سیاسی در تابستان ۶۷ و بالاخره دادگاه عالی اونتاریو که جمهوری اسلامی را به جرم شلیک عامدانه موشک به هواپیمای مسافری اوکراین محکوم کرد. همه این دادگاه ها شواهد غیر قابل انکاری از بخشی از جنایات جمهوری اسلامی در دوره های مختلف ثبت کرده اند که کار ما را در محاکمه همه سران و عوامل جمهوری اسلامی که در این جنایات نقش داشته اند تسهیل خواهد کرد.



## رانت و دزدی ۶۰۰ هزار میلیارد تومانی، بیلان سه ساله ارز دولتی!

**دستگیری و محاکمه برخی دزدان و قاچاقچیان ارز و کالای حکومت، یک نمایش بی خاصیت است. بعید نیست کسانی را قربانی کنند اما سیستم حاکم توسط خود مافیای حاکم تکان نخواهد خورد. قرار است با این نمایشات برای دولت آیت الله قاتل مشروعیت سیاسی دست و پا کرده وی را "دولت مبارزه با فساد و رانت و دولت انقلابی" جاز زده تا زمینه دزدیهای آتی و رانت خواران حکومت را در آینده تضمین بکنند.**

مافیای حاکم تکان نخواهد خورد. قرار است با این نمایشات برای دولت آیت الله قاتل مشروعیت سیاسی دست و پا کرده وی را "دولت مبارزه با فساد و رانت و دولت انقلابی" جاز زده تا زمینه دزدیهای آتی و رانت خواران حکومت را در آینده تضمین بکنند. یک نگاه گذرا به بودجه سال آینده نشان می دهد که میلیاردها تومان پول و اعتبار به نهادهای مذهبی، باندهای حکومتی اختصاص داده اند. فقط یک رقم سهم نهادهای مذهبی بیشتر از بودجه شش استان کشور می باشد.

مردم ذره ای در این شک نداشته و ندارند که نظام جمهوری اسلامی در کلیتش، حکومت دزدان، آدمکشان اسلامی سرمایه، قاچاقچیان، اعدام و زندان، غارت و تحمیل فقر و فلاکت بر کرده مردم است و مردم بدرست بر علیه کل این وضعیت و در اعتراض به آن وارد جنگ با حکومت شده اند.

اول دیماه ۱۴۰۰، ۲۲ دسامبر ۲۰۲۱

نتیجه اختصاص ارز ۴۲۰۰ تومانی دولتی در سه سال توسط ابواب جمعی حکومت خورده شده است.

اینها چند نمونه از گزارشات حکومتی درباره رانت خواری و دزدی و قاچاق ارز در ماجرای اختصاص ارز دولتی برای واردات بوده است. طبعاً رانت خواری و قاچاق ارز باندهای دور و بر بیت رهبری و خامنه ای در این گزارشات نیامده است، چون "محرمانه" می باشد.

با یک حساب سرانگشتی دولتها در این مدت سه سال بیش از ۳۱ میلیارد دلار ارز ۴۲۰۰ تومانی بین باندهای خودی به منظور واردات کالاهای اساسی توزیع کرده و ادعا کرده اند که با این کار جلوی گرانی کالاهای اساسی را گرفته اند. ادعایی که باز بخشی از حکومت دزدان تکذیب کرده و می گویند ارز دولتی باعث گرانی بیشتر کالاها شده است.

دستگیری و محاکمه برخی دزدان و قاچاقچیان ارز و کالای حکومت، یک نمایش بی خاصیت است. بعید نیست کسانی را قربانی کنند اما سیستم حاکم توسط خود

در بودجه ۱۳۹۸ دولت ۱۴ میلیارد دلار ارز ۴۲۰۰ تومانی منظور کرده بود. در حساب و کتاب دولت برای این سال بیش از ۱۲۰ هزار میلیارد تومان رانت دیده میشود. یعنی این مقدار بالا کشیده شده است.

**۲۰۰ هزار میلیارد تومان در سال ۹۹**

در سال ۱۳۹۹ حدود ۱۱ میلیارد دلار ارز ترجیحی پرداخت شده که رانت بیش از ۲۰۰ هزار میلیارد تومانی ایجاد کرده است.

**رانت حدود ۳۶۰ هزار میلیارد تومانی در سال ۹۹**

دیوان محاسبات حساب حکومت می گوید اگر متوسط قیمت دلار در سال ۹۹ را ۲۵ هزار تومان در نظر بگیریم، حدود ۳۶۰ هزار میلیارد تومان رانت داشته است.

**۶۰۰ هزار میلیارد تومان رانت در سه سال**

دست آخر دیوان محاسبات و مجلس در تحقیقات و گزارشاتشان به این نتیجه رسیده اند که حداقل ۶۰۰ هزار میلیارد تومان رانت در

اعلام کرد. پرونده رانت و دزدی ۱۰ میلیارد دلاری. جالب اینجاست که ولی الله سیف و یکی از اعضای خانواده عراقچی که در دوره روحانی از معاونان ارزی بانک مرکزی بوده و میلیونها دلار به اعتراف خود قوه قضائیه رانت داشته اند، از اتهامات وارده در خصوص "حیف و میل" ارز دولتی تبرئه شده اند. ۱۲۵۰ پرونده با ۵۵۵ مورد دستگیری فقط در تهران!!! این تازه ترین اخبار از ابعاد دزدیها و رانت کل باندهای نظام است.

اما این تمام ماجرا نیست. ابعاد و میزان رانت و دزدی در ماجرای اختصاص ارز دولتی بسیار بیشتر از موارد اعلام شده می باشد. فقط اگر گزارشات نهادهای مهم حکومتی در این باره را مبنا قرار دهیم، به مبلغی بالای ۶۰۰ هزار میلیارد تومان رانت در سه سال گذشته می رسیم. در آذر ماه امسال دیوان محاسبات، مجلس، سازمان برنامه و بودجه پیرامون رانتهای موجود در ماجرای ارز ۴۲۰۰ تومانی از سال ۹۷ تا امسال گزارشی داده و نتیجه گیری کرده است که بیش از ۶۰۰ هزار میلیارد تومان رانت در سه سال گذشته اتفاق افتاده است. بخشی از این گزارش ها چنین اعلام کرده اند:

**" ۴.۸ میلیارد دلار ارز دولتی ما به ازای واردات کالا نداشته است."**

عادل آذر، رئیس سابق دیوان محاسبات در گزارشی به مجلس در اوایل فروردین امسال گفته بود: "در مجموع ارزی که در سال ۹۷ به صرافیها و وارد کنندگان کالاهای اساسی و غیراساسی داده شده ۳۱ میلیارد دلار بوده است که از این رقم، حدود ۴.۸ میلیارد دلار ما به ازای واردات کالا نداشته است."

**رانت ۱۲۰ هزار میلیاردی در سال ۹۸.**



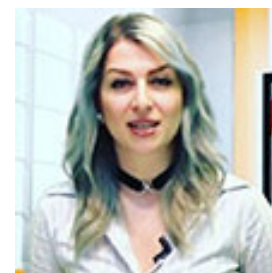
محمد شکوهی

در روزهای اخیر جنگ و دعواهای باندهای حکومتی پیرامون ماجرای رانت و دزدی و قاچاق ارز دولتی بالا گرفته است. نهادهای حکومتی، از مجلس، دیوان محاسبات گرفته تا سازمان برنامه و بودجه و بانک مرکزی و... دست به افشاکاری درباره ابعاد و دامنه رانت و قاچاق ارز زده اند. دولت نیسی که با حمایت بیت رهبری درصد حذف ارز ۴۲۰۰ تومانی است، قرار است در این نمایشات دستگیری دزدان نظام، مشروعیت سیاستش، مبنی بر حذف ارز دولتی را به بهانه ایجاد رانت، و "مبارزه با فساد" اثبات نماید. در همین چارچوب است که بخشی از نظام به این بهانه صدها دزد و رانتخوار حکومتی را جلب و برایشان پرونده سازی کرده و البته تعدادی عناصر کلیدی را به حاشیه امن برده است.

خدائیان سخنگوی قوه قضائیه جمهوری اسلامی پیرامون ابعاد و میزان رانت در ماجرای ارز دولتی روز اول دیماه به رسانه های حکومتی گفته است: "درخصوص ارز ۴۲۰۰ تومانی بیش از ۱۲۵۰ پرونده فقط در تهران تشکیل شد که بیش از ۶۰۰ پرونده از آنها با کیفرخواست به دادگاه ارسال و حدود ۵۵۵ نفر هم در این راستا دستگیر شدند. مبلغ مطرح شده در این پروندهها، حدود ۱۰ میلیارد دلار بود که شرکت های مختلف اخذ کردند."

این فقط یک نمونه از رانت ها و دزدیهای افسانه ای مقامات حکومتی در ماجرای اختصاص ارز دولتی است که قوه قضائیه روز اول دیماه

## فریاد طلاب و مقامات نه مرکز مذهبی در قم از بی حجابی زنان



شیرین شمس

اخیرا جمعی از طلاب و مقامات ۹ مرکز مذهبی در قم شکایتی از ۱۵ بازیگر زن به دلیل بی حجابی تنظیم کرده اند و مدعی شده اند که باید به دلیل ضررهای معنوی وارد شده خسارت بگیرند.

در متن شکایت طلاب که تاریخ آن ۲۷ آذر ثبت شده، آمده است که این اقدام در پی «معلوم بودن مقداری از سینه، گردن و گوش‌ها، استفاده از کلاه لبه‌دار و وسایل تزئینی مانند گل سر به جای روسری، پوشیدن لباس‌های تنگ و چسبان و معلوم بودن برجستگی‌های بدن، پوشیدن شلوارک و شلوارهای پاره و ساپورت رنگ بدن، پوشیدن لباس‌های آستین‌کوتاه و مانتوهای شیشه‌ای» صورت گرفته است.

این طلاب ضررهای معنوی را در «نقش بستن تصاویر جنسی این زنان در اذهان»، «تحلیل رفتن عقل خود»، «محرومیت انس با خدا» و «تأثیرات منفی در روابط حسنه زن و شوهر» عنوان کرده اند.

این اولین بار نیست که طلبه ها و آخوند ها و نمایندگان مجلس و مراکز بسیج و امر به معروف و نهی از منکر فریاد از بی حجابی سر میدهند، چرا که در ایران و اتفاقا در قم که جمهوری اسلامی تمام تلاش خود را کرده این شهر را به پایگاه اشاعه زن ستیزی تبدیل کند، زنان بی حجابی را در پراتیک و عمل به حکومت و محافظان و مبلغان آن تحمیل کرده اند.

اما فارغ از ذهن های بیمار جنسی و توجیهات بی پایه

زنانه است، می باشد. جمهوری اسلامی بواسطه انقلاب در کف خیابانها می بینند می گذارد تا بتوان هر چه زودتر از شر حکومت اسلامی خلاص شد. این شرایط، هر چه بیشتر ضرورت مبارزه متشکل تر و سازمان یافته تر و متحزب را جلوی جامعه و به ویژه زنان پیشرو و رادیکال و سکولار که راه رهایی را در سرنوشتی

سهمگین یک دریای خروشان را مهار کند، گرچه آب روان جویبار نیز راه خود را پیدا خواهد کرد.

مبارزه علیه حجاب اجباری یک مبارزه کلیدی در جنبش رهایی زن و به واقع یک مبارزه تعیین کننده در جنبش سرنوشتی جمهوری اسلامی است. حتی یکی از مقامات حکومت به نام حجت الاسلام کلانتری اخیرا گفته "حجاب، همچون سدی است که اگر شکسته شد، همه چیز نابود می شود." بهمین دلیل است که سالانه بودجه های نجومی برای مراکز تبلیغات اسلامی و حجاب و عفاف و گشت ارشاد جهت مهار و کنترل زنان و بی حجابی اختصاص داده میشود تا نظامی که بر پایه اسلام و حجاب بنا شده با بی حجابی زنان به زمین نخورد، اما در نهایت نتیجه عکس آن به واقعیت خواهد پیوست و بی حجابی و زیر پا گذاشتن اسلام، و پیشروی جنبش رهایی زن در بستر جنبش سرنوشتی که در حال عمیق تر و وسیع تر شدن است، دوره به دوره اقدامات رذیلانه ای همچون شکایت طلاب قم از ۱۵ زن انجام می شود تا درس عبرتی برای دیگران باشد. خود این شکایت فارغ از ابعاد حقوقی آن تحت قوانین اسلامی و زن ستیز و تحت دستگاه قضایی سراسر زن ستیز، اما از لحاظ سیاسی، قطعاً از پیش شکست خورده است چرا که حکومت جمهوری اسلامی با مهار یک جویبار نمی تواند امواج

سهمگین یک دریای خروشان را مهار کند، گرچه آب روان جویبار نیز راه خود را پیدا خواهد کرد. مبارزه علیه حجاب اجباری یک مبارزه کلیدی در جنبش رهایی زن و به واقع یک مبارزه تعیین کننده در جنبش سرنوشتی جمهوری اسلامی است. حتی یکی از مقامات حکومت به نام حجت الاسلام کلانتری اخیرا گفته "حجاب، همچون سدی است که اگر شکسته شد، همه چیز نابود می شود." بهمین دلیل است که سالانه بودجه های نجومی برای مراکز تبلیغات اسلامی و حجاب و عفاف و گشت ارشاد جهت مهار و کنترل زنان و بی حجابی اختصاص داده میشود تا نظامی که بر پایه اسلام و حجاب بنا شده با بی حجابی زنان به زمین نخورد، اما در نهایت نتیجه عکس آن به واقعیت خواهد پیوست و بی حجابی و زیر پا گذاشتن اسلام، و پیشروی جنبش رهایی زن در بستر جنبش سرنوشتی که در حال عمیق تر و وسیع تر شدن است، دوره به دوره اقدامات رذیلانه ای همچون شکایت طلاب قم از ۱۵ زن انجام می شود تا درس عبرتی برای دیگران باشد. خود این شکایت فارغ از ابعاد حقوقی آن تحت قوانین اسلامی و زن ستیز و تحت دستگاه قضایی سراسر زن ستیز، اما از لحاظ سیاسی، قطعاً از پیش شکست خورده است چرا که حکومت جمهوری اسلامی با مهار یک جویبار نمی تواند امواج

## انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: شهاب بهرامی

ادیتور: کاظم نیکخواه

مسئول فنی: رضا مرادی

anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته جمعه ها منتشر می شود.

فیسبوک حزب: [www.facebook.com/wpiran](http://www.facebook.com/wpiran)

اینستگرام: [www.instagram.com/wpi91](http://www.instagram.com/wpi91)

تلگرام: [telegram.me/wpi\\_hkki](https://t.me/wpi_hkki)

وبسایت: [www.wpiran.org](http://www.wpiran.org)

## ما اکثریت مردم را نمایندگی می‌کنیم!



حسن صالحی

هستیم" و ما این شعار را بارها در خیابان و در مقابل صف دشمنان که قصد تهاجم به ما را داشته اند تکرار کرده ایم. این شعار رعشه بر جبهه دشمن می اندازد چرا که دشمنان ما از یگانگی و عزم متحد ما وحشت دارند. این شعار به همه مردم سرنگونی طلب قوت قلب و اعتماد به نفس می دهد چرا که نیروی شگرف اتحادمان را به ما یادآوری می کند.

اتحاد ما مردم قیل از هر چیز برای سرنگونی جمهوری اسلامی است. ما جمهوری اسلامی را نمی خواهیم و این شعار را هم بارها در خیابان سر داده ایم که "جمهوری اسلامی نابود باید گردد" هر کس که بخواهد سر سوزنی در رفتن جمهوری اسلامی تردید و ابهام ایجاد کند با ما طرف است. ما هیچگونه سازش و ماماشاتی را با این رژیم قبول نمی کنیم. جمهوری اسلامی باید برود. ما آزادی می

خواهیم، رفاه می خواهیم، زندگی بهتر می خواهیم، ما می خواهیم که ریشه فقر و بدبختی خشکانده شود، ما خوشبختی همه شهروندان را می خواهیم و جمهوری اسلامی اولین مانعی است که باید از سر راه برداشته شود.

اتحاد ما نه بر سر "خاک" و "پرچم" و "تمامیت ارضی" که بر سر نفس زندگی است. همان زندگی ایی که جمهوری اسلامی از ما دریغ کرده است و ما می خواهیم آنرا بسازیم. ما زندگی انسانی می خواهیم. جمهوری اسلامی زندگی جهنمی ای بر همه کارگران و معلمان و دانشجوین و زنان پرستاران و دانشجوین و زنان تحصیل کرده است. ما رفع کامل ستم و تبعیض را دنبال میکنیم و نفس حاکمیت جمهوری اسلامی خود منشا هر نوع تبعیض و ظلم در جامعه است. ما اعدام و شکنجه نمی خواهیم جمهوری اسلامی رژیم اعدام و شکنجه است.

می شویم و قدرت را به دست مجمع نمایندگان منتخب شوراها واگذار می کنیم. اعمال اراده مردم در سیاست و حاکمیت یکی از شروط دستیابی به رهایی است.

درب حزب کمونیست کارگری ایران بر روی همه کسانی که برای اهداف انسانی، برای رفع ستم و تبعیض، برای برابری برای یک زندگی بهتر و عاری از بی عدالتی مبارزه می کنند و یا آرزوی یک جامعه انسانی را در سر دارند باز است و ما از پیوستن آنها به حزب خودشان استقبال می کنیم. شک نکنید که به آدرس درستی آمده اید و باور کنید که به اتفاق هم سرنگونی جمهوری اسلامی و ساختن یک جامعه انسانی نه فقط امکان پذیر است بلکه با قدرت همه ما مردم محروم چنین تغییر و تحولی با سرعت بسیار بیشتری عملی خواهد شد.

دسامبر ۲۰۲۱

ما با به غارت بردن دسترنج کارگران توسط سرمایه داران و سیستم بردگی مزدی مخالفیم و جمهوری اسلامی حکومت غارتگران و مدافع سرمایه داران است. ما آب و هوای سالم، محیط زیست خوب می خواهیم و جمهوری اسلامی مخرب محیط است و منشا همه آلودگی ها در جامعه است.

ما با سرنگونی جمهوری اسلامی خواهان این هستیم که قدرت به دست شوراهاى خود مردم منتقل شود. این خواست دیرینه ما بوده است و خوشبختانه اکنون نیز شعار "اداره شورایی" از کف خیابان فریاد زده می شود. ما مردم با بلند کردن این پرچم از همین حالا داریم اعلام می کنیم که با سرنگونی جمهوری اسلامی قرار نیست صحنه سیاست را ترک کنیم و امور را به دست از "ما بهتران" بسپاریم. خیر! در صحنه سیاست باقی می مانیم و در شوراهاى خود متشکل

کمونیسمی که ما از آن دفاع میکنیم اکثریت مردم را نمایندگی می کند و از همین رو ما همه مردم زجر دیده ایران، کارگران، زنان تحت ستم، معلمان، بازنشستگان، کولبران و سوخت بران، دست فروشان، رنگین کمانی ها، خانواده های دادخواه، مردمانی که تحت ستم قومی و مذهبی قرار دارند و همه کسانی که شان و منزلت انسانی آنها در نظام حاکم کنونی لگدکوب می شود را فرا می خوانیم که به حزب کمونیست کارگری ایران بپیوندند. "ما همه با هم

”  
درب حزب کمونیست کارگری ایران بر روی همه کسانی  
که برای اهداف انسانی، برای رفع ستم و تبعیض، برای  
برابری، برای یک زندگی بهتر و عاری از بر عدالتی مبارزه  
می کنند و یا آرزوی یک جامعه انسانی را در سر دارند باز است  
و ما از پیوستن آنها به حزب خودشان استقبال می کنیم.“

سرایان و ورزشکاران فراخوان حمایت از زنان و مبارزه علیه حجاب اجباری میدهد.

انقلاب زنانه به همه شما اعضا و همراهان خود و همه ایرانیان آزاده در خارج کشور نیز فراخوان میدهد همه توان و امکان و روابط خود را برای ۲۷ دسامبر بکار بگیرید و در حمایت از مبارزه زنان علیه حکومت جمهوری اسلامی برخیزید!

انقلاب زنانه بار دیگر همه انسانهای آزادیخواه، برابری طلب، سکولار و سرنگونی طلب را به پیوستن به کمپین و فعالیت حول محور "کیفرخواست زنان" علیه بیش از چهار دهه خشونت قانونی و دولتی و قضایی و در کل خشونت حکومتی علیه زنان به واسطه حجاب فرا می خواند.

انقلاب زنانه بار دیگر قویا تاکید میکند که حجاب یک تکه پارچه نیست، حجاب سمبل اسلام سیاسی است، حجاب نماد بردگی زن است، حجاب بهانه تجاوز است، حجاب ابزار دست جمهوری اسلامی برای سرکوب است، حجاب بستر همه بی حقوقی هایی است که امروز زنان ایران درگیر آن هستند. حجاب نماد آشکار یک خشونت و توحش حکومت اسلامی علیه زنان است.

بار دیگر اعلام می کنیم که حکومت اسلامی، حکومت حجاب و عفاف و گشت ارشاد محکوم به نابودی است و این نابودی به دست مردم ایران و در راس آن زنان به تحقق میرسد. ما خواهان بایکوت جهانی حکومت جمهوری اسلامی به جرم خشونت آشکار علیه زنان و خواهان اخراج این حکومت زن ستیز از تمامی مجامع بین المللی هستیم.

گرامی باد روز جهانی نه به حجاب اجباری  
نابود باد حکومت اسلامی  
انقلاب زنانه

۲۴ آذر ۱۴۰۰ - ۱۵ دسامبر ۲۰۲۱



که به مناسبت ۲۷ دسامبر، در ادامه مبارزات زنان علیه حجاب اجباری و علیه قوانین اسلامی و همچنین در ادامه مبارزات مردم به تنگ آمده ایران برای سرنگونی جمهوری اسلامی، با پرچم رهایی زن از حجاب و عفاف و گشت ارشاد و جمهوری اسلامی، به حمایت از کرامت و منزلت و شان انسانی زنان و حمایت از مبارزه تاریخ ساز زنان ایرانی علیه حجاب اجباری برخیزید!

انقلاب زنانه به همه شما فعالین جنبشهای دانشجویی و کارگری و معلمان و بازنشستگان و دیگر جنبشهای اعتراضی فراخوان میدهد تا در بیانیه های خود، و در بیانیه های مشترک، "لغو حجاب اجباری" را خواست فوری خود بدانید و با تمام قوا از مبارزه زنان علیه حجاب اجباری حمایت کنید!

انقلاب زنانه به همه شما هنرمندان و شاعران و ترانه

"انقلاب آتی ایران انقلاب زنانه است".

زنان ایران با مبارزه هر روزه و جدال تنگاتنگ با جمهوری اسلامی نشان دادند نه تنها هرگز تسلیم حکومت جمهوری اسلامی نمی شوند، بلکه در همین چهار سال گذشته بیش از پیش در قامت سخنگویان جنبش سرنگونی و لیدها و رهبران میدانی و عملی اعتراضات سراسری برای به زیر کشیدن جمهوری اسلامی جلو آمده اند.

بدینوسیله انقلاب زنانه به همه شما فعالین پیشرو حقوق زنان فراخوان میدهد روز دوشنبه ۶ دی برابر با ۲۷ دسامبر، روز جهانی نه به حجاب اجباری را در صدر فعالیت های خود قرار دهید و به همه انسانهای پیشرو، آزادی خواه، برابری طلب و سکولار به ویژه زنان که از جمهوری اسلامی و ارزشهای اسلامی و ضد زن آن به تنگ آمده اند، فراخوان میدهد

اجباری و روز بزرگداشت ویدا موحد و و گرامیداشت کارزار تکثیر دختران خیابان انقلاب نامگذاری شد. لذا در دو سال گذشته این مناسبت بصورت ویژه برگزار شده و تعداد قابل توجهی از فعالین جنبش نوین رهایی زن، انسانهای برابری طلب و سکولار، فعالیتهای متنوعی را در شهر محل زندگی در داخل و خارج و در سطح شبکه های اجتماعی اجرایی کرده اند.

امسال و در چهارمین سالگرد حرکت جسورانه ویدا موحد، روز جهانی حجاب اجباری در حالی فرا میرسد که وزیر کشور جمهوری اسلامی گفته است "اگر نظام آسیب ببیند از ناحیه زنان خواهد بود". زنان پیشرو، سکولار و انقلابی، با بی حجابی و مبارزه نفس گیر از همان هشت مارس ۱۳۵۷ مقابل جمهوری اسلامی ایستادند و حالا هم مقامات این حکومت ضد زن را به اعتراف وا داشته اند که

روز ۶ دی برابر با ۲۷ دسامبر، مصادف است با سالگرد سر چوب کردن حجاب، این حرکت شجاعانه و جسورانه توسط ویدا موحد در دل نارضایتی عمومی و عمیق در جامعه، و در بستر اعتراضات درهم پیوسته کارگران، معلمان، بازنشستگان، دانشجویان و اکثریت ناراضی و جان به لب رسیده از وضع موجود و فقر و فلاکت و سرکوبها صورت گرفت. حرکتی پیشرو که باعث عروج مجدد انقلاب زنانه در ایران علیه حاکمیت اسلام و علیه حجاب و زن ستیزی بود. حرکتی که با جلو آمدن پرچمداران رهایی زن منجر به راه افتادن کارزار تکثیر دختران خیابان انقلاب در متن اعتراضات سراسری دیماه ۹۶ شد.

در همین راستا، پاییز ۱۳۹۸ به پیشنهاد زنده یاد فریده آرمان و در کنفرانسی بین المللی روز ۲۷ دسامبر به نام روز جهانی نه به حجاب



## ۲ دی: تجمع هزاران نفره معلمان در دهها شهر برگزار شد

دبیرکل کانون صنفی معلمان تهران، پرونده‌سازی علیه جعفر ابراهیمی، غلامرضا غلامی و روح‌الله‌مردانی و بالاخره ادامه بازداشت معلمان معترض در زندان از جمله یعقوب یزدانی، محمدرضا رمضانزاده از اعضای هیات مدیره انجمن صنفی فرهنگیان استان خراسان شمالی و مهدی فتحی از فعالان صنفی استان فارس است. قطعنامه بر بازگشت به کار رسول بدایی و محمد حبیبی نیز تاکید کرده است. معلمان در اعتراضاتشان با اعلام اینکه چگونه بودجه برای حوزه علمیه و دستگاه سرکوب و خرافه حکومت هست اما برای معلمان و برای مردم نیست، لایحه بودجه دولت و کل این بساط چپاولگری و تعرض به معیشت کل جامعه است دارند به چالش میکشند و این صدای اعتراض کل جامعه است که معلمان پیشتان آن هستند.

بدین گونه است که امروز معلمان به صدای اعتراض کل جامعه علیه فقر، تبعیض، نابرابری، اختلاسها و دزدی ها و سرکوبگری های حکومت تبدیل شده و با جلو آوردن خواست تحصیل رایگان برای همه کودکان به فریاد اعتراض کل جامعه تبدیل شده اند. حزب کمونیست کارگری حمایت قاطع خود را از مبارزات و خواستههای معلمان اعلام کرده و همگان را به همبستگی سراسری با این مبارزات فرامیخواند.

حزب کمونیست کارگری ایران  
۲ دی ۱۴۰۰، ۲۳ دسامبر ۲۰۲۱

ضمن اعلام حمایت از افزایش حقوق تمام اقشار اجتماعی و کارگران و زحمتکشان به بالای خط فقر و داشتن حق زندگی شرافتمندانه برای همه مردم، تبلیغات صدا و سیما جمهوری اسلامی را مبنی بر اینکه افزایش حقوق معلم تورم زاست، محکوم کرده و بر اینکه حقوقهای نجومی، اختلاسهای بزرگ و تمرکز ثروت و قدرت در دست یک عده قلیل امنیت مالی و روانی اکثریت جامعه را به خطر انداخته تاکید نموده اند.

معلمان در این قطعنامه آزادی رسول بدایی را نتیجه مطالبه گری های خود دانسته و در بندی از آن بر آزادی بدون قید و شرط تمامی معلمان زندانی و نیز توقف فوری احضارها و پرونده سازیهای امنیتی به عنوان یک مطالبه مهم تاکید کردند. در همین راستا شورای هماهنگی در این قطعنامه به ادامه بازداشت اسماعیل عبدی پس از شش سال حبس و محکومیت دوباره اش به ده سال حبس و نیز ارسال پرونده عزیز قاسم زاده به دادگاه اعتراض کرده و خواستار توقف پرونده های امنیتی و منع تعقیب از آنان شدند. موارد دیگر مورد اعتراض در این قطعنامه صدور حکم ۷ ماه زندان برای لطیف روزیخواه عضو هیات مدیره کانون صنفی فرهنگیان آذربایجان شرقی، حکم جزای نقدی سنگین علیه محمود ملاکی عضو ارشد کانون صنفی فرهنگیان بوشهر، یکسال حبس علیه علی اصغر امیرزادگان، حکم دادگاه علیه محمدفلاحی

در این تجمعات معلمان سرود خواندند، شعر خوانی کردند، شعار دادند و صحنه های با شکوهی از اعتراض را آفریدند. در تجمعات این روز معلمان شعار میدادند: "معلم بیدار است، از تبعیض بیزار است"، "معلم زندانی آزاد باید گردد"، "نه تسلیم، نه سازش، رتبه بدون خواهش". "معلم قیام کن، از حق خود دفاع کن".

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان قبل از این تجمعات قطعنامه ای انتشار داد و معلمان با جمع شدن حول خواستههای آن، تجمعات بزرگ روز دوم دیماه در شهرهای مختلف را بر پا کردند. معلمان در این قطعنامه اعتراض خود را به مصوبه لایحه سرهم بندی شده رتبه بندی مشاغل و اینکه حتی همین لایحه ناقص و تحمیلی را هم در سال ۱۴۰۰ اجرا نخواهد کرد اعلام کرده و بر اجرای لایحه رتبه بندی بدون در نظر گرفتن میزان اعتبار در نیمه دوم ۱۴۰۰ تاکید کرده اند. در قطعنامه همچنین تاکید شده است که باید حقوق معلمان بخش خصوصی در مدارس غیردولتی، معلمان نهضت سوادآموزی، خرید خدمت، نیروهای خدماتی و سایر بخش ها با توجه به رتبه بندی افزایش یابد. در بند دیگر این قطعنامه ضمن اشاره به حقوق زیر خط فقر بازنشستگان و محرومیت آنها از بیمه کارآمد بر اجرای کامل قانون همسان سازی از اول مهر ۱۴۰۰ تاکید شده است. معلمان همچنین در قطعنامه خود

و اولتیماتوم آنها برای ادامه گسترده تر اعتراضاتشان، خوشبختانه رسول بدایی آزاد شد.

تاکنون تجمعات در ۸۰ شهر گزارش شده است که عبارتند از: تهران، کرج، سمنان، بوکان، سردشت، مریوان، سقز، یزد، همدان، ملایر، رامهرمز، مشهد، نیشابور، سبزوار، شیروان، بجنورد، شاهرود، نوشهر، رشت، ساری، بابل، آمل، لاهیجان، قزوین، بوشهر، شیراز، فیروزآباد، نورآباد ممسنی، لامرد، داراب، برازجان، آباد، شهرضا، اندیمشک، گلستان، کرمانشاه، جوانرود، ایذه، شوش دانیال، خرم آباد، اهواز، بهمنی، ماهشهر، بندر گناوه، بندرعباس، سربندر، ارومیه، تبریز، اردبیل، زنجان، لردگان، شهرکرد، اراک، دشتستان، اصفهان، گلپایگان، بندر امام خمینی، گرگان، جهرم، کرمان، پلدختر، الیگودرز، ایلام، گچساران، گناوه، اشکنان، خمینی شهر، فردوس، ازنا، اسلام آباد غرب، سمیرم، تربت حیدریه، تربت جام، بروجرد، گتوند، سمنان، نجف آباد، بافق یزد، بیجار، اقلید، فردوس، نیریز،

در تهران شمار زیادی از نیروهای انتظامی در برابر سازمان برنامه و بودجه جمع شده بودند اما علیرغم آن معلمان که برای تجمع آمده بودند در محلی بالاتر از سازمان برنامه و بودجه جمع شده و تلاش کردند خود را به این محل برسانند و جمعیت قابل توجهی گرد آمدند.

ساعت ده صبح امروز ۲ دیماه در پاسخ به فراخوان شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان هزاران معلم در سطح سراسری در اعتراض به لایحه بودجه ریاضتی حکومت و تصویب طرح سرهم بندی شده رتبه بندی و عدم پاسخگویی به خواستههایشان دست به تجمع اعتراضی زدند. فراخوان این تجمع با استقبال وسیع تشکلهای و نهادهای مختلف معلمان شاغل و بازنشسته و سرایداران و خدمتگزاران مدارس روبرو شد. این تجمعات در تهران مقابل سازمان برنامه و بودجه، در مراکز استانها مقابل ادارات کل آموزش و پرورش و در شهرستانها مقابل ادارات آن برگزار گردید.

همبستگی با مبارزات معلمان گسترده بود. کارگران و تشکلهای مختلف کارگری و اجتماعی با بیانیه های خود حمایتشان را از این فراخوان و مطالبات معلمان اعلام داشتند. در تجمعات روز دوم دیماه در جاهایی حضور خانواده های دانش آموزان و دانش آموزان قابل توجه بود. از جمله در مریوان جمعی از دانش آموزان کلاس های بالاتر شرکت داشتند و در حمایت از معلمان خود سخنرانی کردند. یک موضوع فراخوان معلمان برای تجمع این روز دستگیری رسول بدایی بود اما زیر فشار دو روز اعتصاب قدرتمند و فضای اعتراضات در میان معلمان و تجمعات اعتراضی هزاران نفره معلمان در روزهای بیستم، بیست و یکم و بیست و دوم آذر ماه



# تصاویری از تجمعات سراسری معلمان



# قطعنامه پایانی تجمع سراسری معلمان ایران، پنجشنبه، ۲ دی ۱۴۰۰

## فرهنگیان عزیز، دانش آموزان و اولیای گرامی

ثروت و قدرت در دست یک عده قلیل است که امنیت مالی و روانی اکثریت جامعه را به خطر انداخته است. ما تشویش اذهان عمومی علیه معلمان توسط صدا و سیما را محکوم می‌کنیم.

۶- شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران یک تشکل صنفی و مستقل است که از کانون‌های صنفی و انجمن‌های صنفی فرهنگیان تشکیل شده است این کانون‌ها و انجمن‌ها تشکلهای صنفی، مستقل و دارای شناسنامه و قانونی هستند.

شورای هماهنگی ضمن استقبال از آزادی رسول بدایق انتظار دارد حاکمیت به رفتارهای امنیتی با معلمان ایران پایان دهد. اسماعیل عبیدی پس از اتمام ۶ سال زندان یک سال است که زندان ۱۰ ساله خود را می‌گذراند و در انتظار اعاده دادرسی است. ما خواهان مختومه شدن پرونده او و منع تعقیب او و پایان ظلم‌های رفته به او و خانواده اش هستیم. در اقدامی عجیب عزیز قاسم زاده سخنگوی کانون صنفی فرهنگیان گیلان بدون اخذ ضرورت آخرین دفاع در دادسرا پرونده اش به دادگاه رفت. ما ضمن اعتراض به این رویه غیر حقوقی و شگفت‌انگیز خواهان مختومه شدن پرونده او و منع تعقیب او در دادگاه هستیم. همچنین به حکم صادره ۷ ماه زندان تعزیری لطیف روزیخواه عضو هیات مدیره کانون صنفی فرهنگیان آذربایجان شرقی و صدور حکم جزای نقدی سنگین علیه محمود ملاکی عضو ارشد کانون صنفی فرهنگیان بوشهر و آزادی یعقوب یزدانی و محمدرضا رمضان زاده دبیر کل سابق شورای هماهنگی و مهدی فتحی از استان فارس هستیم.

در پایان اعلام می‌کنیم شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران بر عهد و پیمان خود با فرهنگیان شاغل و بازنشسته تاکید دارد و تا تحقق کامل مطالبات با حمایت فرهنگیان دست از مطالبه‌گری بر نخواهد داشت و روند اعتراضات را با شدت هر چه بیشتر ادامه خواهد داد، همچنین از دولت و مجلس می‌خواهد بیش از این در مقابل خواست و اراده‌ی معلمان نایستند و از قوه قضائیه می‌خواهد به پرونده سازی‌ها علیه فعالان صنفی از جمله غلامرضا غلامی و روح‌الله مردانی و دیگر فعالان صنفی پایان دهد. به امید تحقق آزادی و عدالت و رفاه و شادی و صلح در ایران عزیز

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران

۲ دی ۱۴۰۰

ما امروز اینجا جمع شدیم که به سیاست‌های حاکمیت در قبال فرهنگیان شاغل و بازنشسته و بی‌توجهی به آموزش با کیفیت و رایگان اعتراض کنیم ما در اینجا جمع شده‌ایم تا اعلام کنیم :

۱- امروز زندگی بازنشستگان شریف و عزیز با مخاطرات جدی روبرو است حقوق آنان دو برابر زیر خط فقر است از بیمه‌کارآمد محرومند و قانون همسان‌سازی بازنشستگان مبتنی بر قانون مدیریت خدمات کشوری اجرا نمی‌شود. ما خواهان اجرای کامل قانون همسان‌سازی از اول مهر ۱۴۰۰ هستیم و بیش از این نمی‌توانیم به این وضعیت ظالمانه ادامه دهیم.

۲- مصوبه مجلس در مورد رتبه‌بندی چیزی جز سرهم‌بندی نبود جالب اینکه دولت مدعی شده است که همین لایحه ناقص و تخمیلی را هم در سال ۱۴۰۰ اجرا نخواهد کرد. ما خواهان اجرای لایحه رتبه‌بندی بدون در نظر گرفتن میزان اعتبار در نیمه دوم ۱۴۰۰ هستیم. باید حقوق معلمان بخش خصوصی در مدارس غیردولتی، معلمان نهضت سوادآموزی، خرید خدمات، نیروهای خدماتی و سایر بخش‌ها با توجه به رتبه‌بندی افزایش یابد. ما نسبت به این همه تضییع حقوق و ستم به فرهنگیان بیزاریم و در مقابل این همه ستم سکوت نمی‌کنیم.

۳- وضعیت و کیفیت آموزش بحرانی است فقدان امکانات و آموزش پولی باعث بازماندن بیش از سه میلیون کودک از آموزش شده است ما خواهان کیفیت بخشی به آموزش و ارائه آموزش کیفی و رایگان و عادلانه در تمام کشور به ویژه مناطق محروم هستیم.

۴- سناریوسازی به شیوه کیهان برای مقهور کردن و امنیتی کردن مطالبات صنفی راه به جایی نخواهد برد سال‌هاست که فعالان صنفی زیر ضرب هستند و زندان و اخراج به آنان تحمیل می‌شود اما کنشگری متوقف نمی‌شود. امروز آزادی معلمان دربند یک مطالبه جدی نزد معلمان است و آزادی آقای رسول بدایق نتیجه این مطالبه‌گری است و ما آن را به فال نیک می‌گیریم اما خواسته معلمان آزادی بدون قید و شرط تمام معلمان زندانی، توقف احضار و بازجویی فعالان صنفی و توقف پرونده‌سازی و دادگاه‌های ظالمانه است. ما به خط سرکوب فعالان اعتراض داریم و با تمام قدرت از معلمان دربند حمایت می‌کنیم.

۵- ما از افزایش حقوق تمام اقشار اجتماعی و کارگران و زحمتکشان به بالای خط فقر حمایت می‌کنیم و زندگی شرافتمندانه را حق همگانی می‌دانیم و با تحلیل‌های غیرکارشناسی که افزایش حقوق معلمان را تورم‌زا می‌داند مخالفیم. این حقوق‌های نجومی، اختلاس‌های بزرگ و تمرکز

## از مدیای اجتماعی حزب

فیسبوک حزب: [www.facebook.com/wpiran](http://www.facebook.com/wpiran) اینستگرام: [www.instagram.com/wpi91](http://www.instagram.com/wpi91) تلگرام: [telegram.me/wpi\\_hki](https://t.me/wpi_hki) شماره اپ و تلفن تماس: ۰۴۶۷۰۰۴۴۷۴۲۵

## به خطر انداختن جان لیلا حسین زاده نمونه بارز سرکوب دانشگاه



داده است. با فشار هر چه بیشتر به مسئولان دانشگاه و حکومتی در قالب برنامه های اعتراضی اعم از تجمع و اعتصاب خواهان آزادی فوری و بی قید و شرط لیلا حسین زاده و همه دانشجویان زندانی و زندانیان سیاسی شویم و قویا هشدار می دهیم مسئولان دانشگاه، زندان و دستگاه های امنیتی مسئول مستقیم جان لیلا حسین زاده هستند. از صفحه دانشگاه سنگر آزادی

حکومت اسلامی نمونه بارز سرکوب سیستماتیک و همه جانبه علیه دانشگاه و با هدف ایجاد ارعاب و حذف فعالین دانشجویی انجام می گیرد. در شرایطی که عموم مردم اعم از کارگر و معلم و بازنشسته علیه غارت حداکثری معیشت، رفاه و امنیت خود توسط جمهوری اسلامی همبسته سازماندهی می شوند دستگاه سرکوب حکومت به دانشگاه یورش برده و دانشجویان را در جهت جلوگیری از پیوستن به سیل اعتراضی جامعه زیر ضرب قرار

لیلا حسین زاده از فعالین دانشجویی و دانشجوی ارشد دانشگاه تهران پس از گذشت نزدیک به دو هفته بی خبری از وضعیت و مکان نگهداری، در تماس با خانواده از ضرب و شتم شدید در بازداشتگاه و جلوگیری مسئولان امنیتی از دسترسی به تزریق داروهای حیاتی خود خبر می دهد و اطلاع داده که در بند ۲۰۹ زندان اوین زندانی است.

به خطر انداختن سلامت و جان لیلا حسین زاده توسط جلاخان

## عدم بازگشایی دانشگاه ها بعلت تشدید ورشکستگی حکومت

دانشجویان نیز همصدا با معلمان، کارگران و همه محروم شدگان از حقوق بحق خود علیه این هجوم همه جانبه و سیستماتیک به رفاه، امنیت، معیشت و منزلت جامعه هشدار جدی می دهند و علیه این جنگ علنی حکومت با مردم سکوت نخواهند کرد.

و در جهت تامین منافع خود هر چه بیشتر و علنی تر دست در جیب مردم کرده است و علیه نیازها و معیشت جامعه شمشیر را از رو بسته است. و در تازه ترین حمله سازماندهی شده و حداکثری به معیشت و منزلت جامعه بودجه ای سراسر تبعیض و تشدید کننده فقر و فلاکت را به تصویب رسانده است.

عملا من تا جایی که اطلاع دارم هیچ دانشگاهی نیست که بتواند هزینه های سلف را از محل اعتباراتی که تا حالا اختصاص یافته است تامین کند.

دولت جمهوری اسلامی به تبع اهداف و برنامه های سران حکومت و در راس آن رهبر جمهوری اسلامی حالا در شرایط ورشکستگی اقتصادی

رفاهی دانشجویان را نیز ندارند.

بحران عدم توانایی تامین نیازهای دانشجویان به حدی رسیده است که رئیس دانشگاه نوشیروانی صریحا می گوید: "از جهات مختلف مانند تامین رفاهیات دانشجویی که حداقل آن سلف است افزایش قیمت فاحشی در غذاها بوجود آمده است و

بحران اقتصادی موجود منجر از سیاست ها و برنامه های حکومت پس از تشدید فقر و فلاکت عمومی حالا به بحرانی که از آن پشت پرده عدم بازگشایی دانشگاه نام برده می شود تبدیل شده است و به اقرار روسای دانشگاه های کشور بازگشایی دانشگاه ها با این بودجه و شرایط موجود ممکن نیست و دانشگاه ها توان تامین نیازها و موارد



## حسین دائمی پدر آتنا دائمی در صفحه شخصی خود نوشت:

«میغخ لامسب شب یلدر است بقولر طولانر ترینغ شب سال لالته با یک رقیقه لاختلاف، فیلر ها لامسب دور و بر خانولاره هاشون جمع میسغ و از خاطر است گذشته از خوشر ها و ناوشر ها صعبت میکنند.»

فیلر ها هم لامسب جاشون خالیه، فیلیله نیستغ، فیلیله در سالها ر قبل بودغ ولر ایغ یلدر نیستغ، بر ل فیلیله لامخان دور هم بودغ نیست جالابه هر دلیلر، فیلر ها مثل مع که هستمینگ شب یلدر است فرزندم بقر گوته لام در کنار مع نیست، هست شب یلدر هست که آتنا رو در کنار خودمخ ندریم.»



## اطلاعیه های حزب

## به حمایت از عباس دریس برخیزید و خواهان لغو حکم اعدام وی شوید!

### اطلاعیه شماره ۳ کمپین نجات عباس دریس



ما در میان بگذارید. یک پیش شرط موفقیت کارزار ما برای نجات جان عباس دریس این است که آخرین اطلاعات درباره وضع وی را داشته باشیم تا بتوانیم در سطح بین المللی نیز اطلاع رسانی کنیم. در همان حال از شما میخواهیم عکسهای بیشتری از عباس دریس را برای ما ارسال دارید. ما واقفیم که جمهوری اسلامی با زورگویی و تهدید خانواده های محکومین به اعدام و یا با وعده های دروغین تلاش می کند این خانواده را وادار به سکوت کند تا اخبار محکومین به اعدام رسانه ای نشود. همین ترس و نگرانی جمهوری اسلامی از رسانه ای شدن اخبار محکومین به اعدام است که با رسانه ای شدن اخبار محکومین به اعدام شانس نجات آنها از چوبه دار بیشتر می شود. این را تجربه هم نشان می دهد. لذا خواهشمندیم که در این رابطه نهایت همکاری را با ما داشته باشید.

کوتاه و انتشار آن خواهان توقف اعدام عباس دریس شویم و حمایت خود را از وی نشان دهیم. با انتشار این فیلم های کوتاه و یا تصاویر عکسهای بدست گرفته عباس دریس در شبکه های اجتماعی صدای مخالفت ما با اعدام و اعدام مردم معترض پژواک وسیعی خواهد یافت. پس درخواست ما از همه شما مردم، شخصیت های فرهنگی، سیاسی، ورزشی و هنری این است که دست بکار شوید و با انتشار ویدئو و عکس در شبکه های اجتماعی کمک کنید تا جلوی اعدام یک انسان معترض و حق طلب گرفته شود.

اکنون بیش از دو سال است که عباس دریس پس از دستگیری در اعتراضات آبان در ماهشهر در زندان بسر می برد و جمهوری اسلامی قصد دارد وی را اعدام کند. یکی از راههای اعمال فشار بر جمهوری اسلامی برای متوقف کردن اعدام عباس دریس این است که با صدای بلند علیه حکم اعدام وی مخالفت خود را اعلام داریم و از او حمایت و پشتیبانی بعمل آوریم. سال گذشته در واکنش به حکم سه تن از معترضین آبان، محمد رجبی، امیرحسین مرادی و سعید تمجدی صدای ما چنان بلند بود که جمهوری اسلامی مجبور شد احکام اعدام این سه نفر را لغو کند.

ما در همان حال از خانواده عباس دریس، نزدیکان، بستگان و دوستان وی می خواهیم که اطلاعات بیشتری از زندگی عباس دریس و پرونده وی در اختیار ما بگذارند. شما می توانید با شماره تلفن هایی که در زیر خواهد آمد از طریق واتس آپ و تلگرام با ما تماس بگیرید و این اطلاعات را با

در مورد عباس دریس نیز باید همین کار را کرد. یکی از روش هایی که ما می توانیم مخالفت خود را با اعدام عباس دریس بطور وسیع نشان دهیم این است که عکسی از وی در دست بگیریم و با تهیه یک فیلم

کمیته بین المللی علیه اعدام

۲۷ آذر - ۱۴۰۰ - ۱۸ دسامبر ۲۰۲۱

تماس:

مینا احدی: 00491775692413

هرمز رها: 0046737896505

حسن صالحی: 0046703171102

ماهواره یاه ست

فرکانس: ۱۱۷۶۶

پولاریزاسیون: عمودی

سیمبل ریت: ۲۷۵۰۰

اف ای سی: ۷/۸

ماهواره یوتلست

فرکانس: ۱۱۳۸۷

پولاریزاسیون: عمودی

سیمبل ریت: ۲۷۵۰۰

اف ای سی: ۵/۶

KANAL JADID  
کانال جدید

فرکانس های

تلویزیون کانال جدید

در ماهواره های:

[www.newchannel.tv](http://www.newchannel.tv)  
[nctv.tamas@gmail.com](mailto:nctv.tamas@gmail.com)

ادامه اطلاعاتی های حزب از صفحه ۱۷

## اعدام حیدر قربانی، را شدیداً محکوم می کنیم!



گرامیداشت یاد حیدر قربانی را می توان و باید به فرصتی برای به نمایش در آوردن اراده مصمم ما برای پایان دادن به عمر ننگین و پرجنایت جمهوری اسلامی تبدیل کرد.

کمیته بین المللی علیه اعدام  
۲۸ آذر - ۱۹ دسامبر ۲۰۲۱

خاک سپرد. این جنایت جمهوری اسلامی بی گمان اعتراض و خشم بیشتری را علیه جمهوری اسلامی بر می انگیزد و به عاملی برای تشدید مبارزه همه ما برای جمع کردن بساط اعدام و جنایت و آدمکشی جمهوری اسلامی می شود. ما همگان را فرامی خوانیم که ضمن ابراز همدردی با خانواده حیدر قربانی علیه این جنایت جمهوری اسلامی اعتراض خود را نشان دهند.

تلاشها منجر به این شد که حکم اعدام وی چندین بار به تاخیر بیفتد. اعدام وی در حالی صورت گرفت که تلاش حقوقی جدیدی برای لغو حکم اعدام وی در جریان بود. اما جمهوری اسلامی برای جلوگیری از گسترش مبارزه علیه اعدام او چنان در کشتن حیدر قربانی تعجیل داشت که بدون اطلاع قبلی وی را به پای چوبه دار برد، او را به قتل رساند و سپس در نگرانی از بروز هر اعتراضی بطور مخفیانه جسد وی را به

سحرگاه امروز یکشنبه ۲۸ آذرماه حیدر قربانی زندانی سیاسی در زندان سنندج بدون اطلاع قبلی توسط جنایتکاران اسلامی اعدام شد.

صالح نیکبخت، وکیل مدافع حیدر قربانی ضمن تایید این خبر به هرا نا گفت: «به دستور رئیس قوه قضائیه اعلام شده بود که پرونده حیدر قربانی برای رسیدگی به درخواست ماده ۴۷۷ قانون آیین دادرسی کیفری به رئیس کل دادگستری استان کردستان ارجاع داده شده و قرار بود پرونده رسیدگی و نتیجه آن به وی و خانواده اش ابلاغ شود. این موضوع در صحبت روز گذشته من با حیدر و برادرش از سوی هر دوی آنان اعلام شد. من ساعت ۷:۵۳ عصر روز گذشته به وقت تهران با حیدر صحبت کردم. گویا ساعت ۴ صبح حکم آقای قربانی اجرا شده و امروز به خانواده او گفته شده که در آرامستان فعلی سنندج حاضر شوند. خانواده حیدر قربانی در آرامستان متوجه اجرای این حکم شده اند و حتی جنازه تحویل خانواده نشده است.»

هنوز فریادهای کمک خواهی شراره صادقی، همسر حیدر قربانی، که می گفت "شوهر من بیگناه است" در گوش ما زنگ می زند. حیدر قربانی در مهر ماه ۱۳۹۵ دستگیر شد و سپس به جرم عضویت در حزب دمکرات ایران و همکاری با این حزب و به اتهام معاونت در کشتن چند عضو سپاه و بسیج به اعدام محکوم شد. حید را زیر شکنجه وادار به شرکت در اعترافات اجباری علیه خود کردند.

برای نجات حیدر قربانی یک کمپین جهانی شکل گرفت و بسیاری از نهادهای مخالف علیه اعدام و از جمله کمیته بین المللی علیه اعدام برای نجات وی تلاش کردند. این

## تلخیصی از چند اطلاعیه حزب

نیشکر هفت تپه موفق به بیرون کردن مدیران بازنشسته ضد کارگر و فاسد باند اسدیگی از شرکت شده اند. و اکنون اعتراضشان متوجه یکی دیگر از این مدیران به اسم دست افشان معروف به (سعید اسدی) و توطئه گری های اوست.

- روز شنبه ۲۷ آذر ۱۴۰۰، تعدادی از معلمان خرید خدمت اصفهان، در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالباتشان و با خواست استخدام رسمی مقابل اداره کل آموزش و پرورش این استان، دست به تجمع زدند. معلمان شعار میدادند: "کار شبانه روزی،

هشدار میدهیم که فرماندهی انتظامی شوش در حال تنش زایی و به هم ریختن آرامش موقتی شرکت هفت تپه است. برخورد خشونت آمیز و وحشیانه نیروی انتظامی با کارگران را محکوم میکنیم و خواهان برخورد با آمران و عاملان این اقدام ضد کارگری، ضد انسانی و جنایتکارانه هستیم."

کارگران نیشکر هفت تپه همچنان پیگیر مطالباتشان هستند. بازگشت به کار اسماعیل بخشی، مختومه اعلام شدن پرونده فرزانه زیلایی و آزادی سپیده قلیان و هیراد بدایقی از حامیان نیشکر هفت تپه و پایان دادن به امنیتی کردن مبارزات، از مطالبات آنهاست. کارگران

دادن به دزدی ها و اختلاس ها و امنیتی کردن مبارزات تاکید کرده اند.

- روز ۲۷ آذر جمعی از کارگران نیشکر هفت تپه در اعتراض به بیکار شدن از کار و با مطالبه کار و اشتغال، مقابل ورودی شرکت تجمع داشتند. در این روز نیروی سرکوب جمهوری اسلامی به تجمع کنندگان یورش برد و با پاشیدن اسپری فلفل به صورت و چشم آنها باعث شد که چند تن از تجمع کنندگان بر اثر درد دچار نایبایی موقت شوند. در گزارش این خبر کارگران نیشکر هفت تپه حمله به همکاران خود را محکوم کرده و می نویسند: "نیروی انتظامی حق دخالت در تجمعات کارگری را ندارد.

نامه استخدامی فولاد از جمله خواسته های فوری اعلام شده بازنشستگان فولاد برای تجمعات این روز در ادامه تجمعات یکشنبه های اعتراض بود. بازنشستگان میگویند که دولت میخواهد بودجه ۱۴۰۱ را از جیب مردم محروم تامین کند و هر روز سفره مردم کوچک تر شده و اقلام غذایی از آن ناپدید میشود. از همین رو یک اعتراض بازنشستگان به بودجه ریاضتی دولت و عدم اختصاص بودجه لازم جهت اجرای همسان سازی حقوق ها است. خواست آنها افزایش حقوقها به بالای خط فقر اعلام شده ۱۲ میلیونی است. بعلاوه بازنشستگان در تجمعات اعتراضی خود بر مطالباتی چون درمان رایگان، داشتن حق مسکن، پایان

تجمعات بازنشستگان فولاد در اصفهان و اهواز و چند خبر دیگر

- روز ۲۸ آذر بازنشستگان فولاد و معدن در اصفهان و فولاد اهواز همانند یکشنبه های دیگر مقابل دفتر صندوق بازنشستگی در این دو شهر تجمع کردند. در این تجمعات بازنشستگان شعار میدادند: "تا حق خود نگیریم از پا نمیشینیم"، "حسین حسین شاعرشون، دروغ و دزدی کارشون".

بازگرداندن متوسط ۲ میلیون تومان کسر شده در اجرای همسان سازی بازنشستگان فولاد، درمان بر اساس آیین نامه فولاد و برقراری خدمات رفاهی مطابق تعهدات آیین

ادامه اطلاعیه های حزب از صفحه ۱۸

بیمه ی ۱۶ روزی، حقوق ۱۵ روزی، نمیخوایم، نمیخوایم!

در حالی که خود حکومتیان از کمبود ۱۹۷ هزار معلم سخن میگویند، معلمان قرارداد موقت همچنان در بلاتکلیفی شغلی بسر می برند و دستمزد آنها بعضا از همان حداقل دستمزد تعیین شده شورای عالی کار که خود چند بار زیر خط فقر است نیز کمتر است. در اعتراض به قراردادهای موقت این بخش از معلمان اعتراضات بسیاری داشته اند. استخدام رسمی آنها در آموزش و پرورش یکی از خواستهها و یکی از بندهای قطعنامه های معلمان در ماههای اخیر بوده است.

صبح شنبه ۲۷ آذر ماه کارگران شرکت روی بندرعباس در اعتراض به کاهش مدت قراردادهایشان دست به تجمع زدند. بنا بر خبرها شرکت روی بندرعباس از مرداد ماه امسال تعطیل است و خطر بیکاری، زندگی و معیشت آنها را تهدید میکند. در مقابل اعتراضات این کارگران قبلا فریدون همتی استاندار سابق هرمزگان در شهریور ماه وعده رفع مشکلات تولید شرکت را داده بود، اما وضع شرکت همچنان بحرانی و کارگران نگران معیشت خود هستند.

**پرداخت طلبهای ۱۱ ساله کارگران ابر صنعتی ایران**

- روز ۲۹ آذر کارگران ابر

صنعتی ایران بعد از ۱۱ سال اعتراض و مبارزه موفق به دریافت مطالبات معوقه خود از کارفرما شدند. بنا بر خبرها در سال ۸۹ کارگران این کارخانه با سوابق کاری بین ۲۷ تا ۳۰ سال، با تعطیلی این کارخانه بیکار شدند. آن زمان بعد از بازنشستگی تعدادی از کارگران، حدود ۲۴ نفر در کارخانه باقی ماندند که علاوه بر عدم دریافت حقوق در وضعیت بلاتکلیفی شغلی قرار دارند.

بنا بر خبرها سوابق بیمه ای کارگران باقی مانده این کارخانه که هم اکنون از مقرری بیمه بیکاری استفاده می کنند، از ۲۷ تا ۳۰ سال است اما به دلایل نامعلومی امکان بازنشستگی برای آنها فراهم نمی شود. کارگران میگویند ارزش پولی طلبهای آنها که اکنون بعد از یازده سال دریافت کرده اند به حداقل کاهش یافته است.

روز یکشنبه ۲۸ آذرماه جمعی از رانندگان و کارگران شرکت واحد تهران در اعتراض به سطح نازل حقوقها و با خواست اجرای فوری بازنگری طرح طبقه بندی مشاغل در شرکت واحد مقابل شهرداری تهران دست به اعتراض زدند.

**یکشنبه اعتراض: تجمعات بازنشستگان تامین اجتماعی و فولاد در چندین شهر**

**تنه ره رهایی از سفره های خالی، فریاد در خیابان**

روز ۲۸ آذر در ادامه یکشنبه های اعتراض، بازنشستگان تامین اجتماعی در شهرهای تبریز، خرم آباد و کرمانشاه در مقابل تامین اجتماعی و معدن بازنشستگان فولاد و معدن در اصفهان و فولاد در اهواز مقابل صندوق بازنشستگی تجمع کردند و علیه فقر و تبعیضات و اختلاسها شعار دادند و سخنرانی کردند. همسان سازی حقوقها خواست سراسری همه بخش های بازنشستگان است و تاکید آنها بر افزایش سطح حقوقها به بالای خط فقر است. از جمله در تجمع هفته گذشته بازنشستگان تامین اجتماعی در اهواز بنری با نوشته "نه به خط فقر ۱۵ میلیونی" صدای اعتراض خود را بلند کردند. بازنشستگان تامین اجتماعی در خرم آباد با شعار "تنه ره رهایی از سفره های خالی، فریاد در خیابان" بر ادامه اعتراضات خود تاکید کردند. در این روز در کرمانشاه بازنشستگان معترض با پهن کردن سفره خالی، به شکل سمبلیک اعتراض خود را به وضعیت اسفبار معیشتی شان به نمایش گذاشتند.

یک اعتراض مهم بازنشستگان تامین اجتماعی، بازنشستگان فولاد و همه معلمان به لایحه بودجه ریاضتی حکومت است. بازنشستگان میگویند که دولت میخواهد بودجه ۱۴۰۱ را از جیب مردم محروم

تامین کند و هر روز سفره مردم کوچک تر شده و اقلام غذایی از آن ناپدید میشود. از همین رو بازنشستگان تامین اجتماعی با پهن کردن سفره خالی در کف خیابان صدای اعتراضشان را بلند کرده و بر خواستههایشان تاکید کردند. لایحه بودجه دولت رئیسی لایحه تعرض به زندگی و معیشت کل جامعه است و امروز که مقطع تعیین میزان حداقل دستمزد است این موضوع به بحث داغی در میان کارگران تبدیل شده است.

بازنشستگان علاوه بر همسان سازی حقوقها و افزایش سطح آن به بالای خط فقر، در تجمعات اعتراضی خود بر مطالباتی چون درمان رایگان، داشتن حق مسکن، پایان دادن به دزدی ها و اختلاس ها و پایان دادن به امنیتی کردن مبارزات تاکید کرده اند. یک خواست مهم و فوری آنها آزادی فوری اسماعیل گرامی کارگر بازنشسته است. از خواستهها و مبارزات بازنشستگان باید وسیعا حمایت کرد.

**کارکنان ثبت احوال هم برای افزایش حقوق دست به اعتراض سراسری میزنند**

**پس فردا جمعه سوم دیماه**

کارکنان ثبت احوال که ۶ هزار نفر در سطح کشور هستند با خواست یکسان سازی حقوق

خود با دیگر کارمندان دولت به دنبال یک سری اقدامات مانند نامه نگاری و مذاکره با مقامات دولتی که همه آنها بی نتیجه مانده است، فراخوان تجمعات اعتراضات در روز سوم دیماه داده اند.

اعتراض برای افزایش حقوق بویژه در یکسال گذشته بطور چشمگیری گسترش یافته است. از معلمان و بازنشستگان که سالها است برای افزایش حقوق مبارزه میکنند تا کارگران پروژه ای نفت و کارگران در بسیاری از مراکز دیگر، اعتراض در میان بخش های دیگر کارمندان نیز رو به گسترش است.

در حالیکه خط فقر اکنون به بالای ۱۳ میلیون تومان رسیده است میانگین حقوق کارکنان سازمان ثبت احوال بین ۴ تا ۵ میلیون تومان است.

این اعتراضات مقدمه اعتصاب سراسری توسط بخش های مختلف حقوق بگیران است که با توجه به روند گسترش فقر در سطح جامعه در چشم انداز قرار گرفته است. معلمان با اعتراضات قدرتمند و مداومشان در سطح کشور پرچمدار این حرکت شده اند.

حزب کمونیست کارگری ایران  
۲ دی ۱۴۰۰، ۲۳ دسامبر ۲۰۲۱

